



انشریه کانون فرهنگی شهید مکتبی روستای محمدآباد گرگان
سال هفدهم، شماره ۶۲، فروردین ۱۳۹۷

هرگز از یاد من آن سرو خرامان نرود





ارسال رایگان

سبزیجات آماده

«بازالتبرین قیمت»

- سبزی قورمه - سبزی آش - سبزی کوکو - بورانی آماده
- سبزی مرغ و ماهی شکم پر - انواع سبزیجات محلی
- اسفناج ته چین آماده - قورمه سبزی آماده

سفارشات ریز کردن سبزی پذیرفته می شود.

📍 محمدآباد - آفتاب ۷ - منزل علی خورشیدکلایی

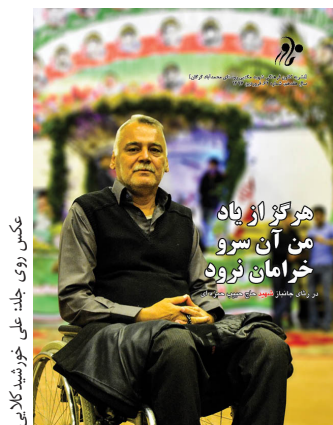
☎ ۹۱۱۸۶۹۲۸۱۳ • مدیریت: فاطمه رضایی



یا مقلب القلوب و الابصار
یا مدبر اللیل و النهار
یا محول الحول و الاحوال
حول حالنا الی احسن الحال

ناور

نشریه داخلی کانون فرهنگی شهید مکتبی روستای محمدآباد گرگان
زیر نظر دبیرخانه کانونهای فرهنگی و هنری مساجد گلستان
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۲۲۰۰۰۰۰۶۵
وبسایت navaronline.ir
پست الکترونیک info@navaronline.ir
کانال تلگرام [telegram.me/navaronline](https://t.me/navaronline)
کانال آپارات [aparat.com/navaronline](https://www.aparat.com/navaronline)
اینستاگرام [instagram.com/navaronline](https://www.instagram.com/navaronline)



عکس روی جلد: علی خورشیدکلایی

فهرست مطالب

- یادداشت ۴
- خبر ۶
- اجتماعی، خبر ۱۰
- کشاورزی ۱۲
- فرهنگی آموزشی ۱۳
- ویژه نامه شهید حمزه ای ۱۴
- یادواره شهداء ۱۸
- دفاع مقدس ۲۰
- یادداشت ورزشی ۲۲
- گزارش ۲۳
- گوناگون ۲۴
- مطبغ ۲۵
- تکنولوژی ۲۶

بر چهره گل نسیم نوروز خوش است



سال ۹۶ با همه خوبی ها و تلخی هایش به پایان می رسد و در آغاز راه سال ۹۷ هستیم. انشالا که سال ۹۷ پر خیر و برکتی برای همه باشد. بیایید همراه با نو شدن سال ما نیز نو شویم و رفتارهای درست و زیبایمان را تقویت و رفتارهای غلط و نادرستمان را اصلاح و ترک کنیم. لازم نیست حتماً کار بزرگ و سترگی انجام بدهیم همینکه خوب باشیم و آزارمان به کسی نرسد کافی است و اگر بتوانیم در سال جدید برای خودمان، برای آشنایان، برای دوستان و برای جامعه اطرافمان مفید و موثر باشیم کار خود را انجام داده ایم.

نکته دیگری که لازم به یادآوری است همدلی و اتحاد اهالی روستا می باشد که لازم است به آن توجه و قدر دانسته شود. اهالی روستای محمدآباد نشان داده اند که هر کجا لازم باشد با هم همراه و همدل هستند و نمونه کوچکی از این همدلی در روزهای آخر سال خود را به زیبایی تمام نشان داد و در مراسمی خدایسندانه و شاد - نوروزخوانی - از نیازمندان دستگیری شد و باعث شد که همه با دلی شاد به استقبال سال نو بروند. انشالله در سال جدید زمینه این همدلی هر چه بیشتر فراهم شود و انشالله همه ما بتوانیم در سال جدید آرزوهای خوبمان را به سرمنزل مقصود برسانیم.

بر چهره گل نسیم نوروز خوش است
در صحن چمن روی دل افروز خوش است
از دی که گذشت هر چه گویی خوش نیست
خوش باش و ز دی مگو که امروز خوش است (خیام)

سر دبیر: علی خورشیدکلایی

مدیر مسئول: رمضانعلی حمزه ای

همکاران این شماره:

کریم محمدی، محمد حمزه ای، محمد عباسی محمدآبادی، ابوالقاسم سالاری تلمادره، سید ابوطالب حسینی، علی ناصری محمدآبادی، هادی اترچالی، مسعود حمزه ای، محمد حمزه محمدآبادی، محسن حمزه ای

* مطالب منتشر شده در نشریه صرفاً دیدگاه این نشریه نمی باشد.

لزوم ایجاد بنگاه اقتصادی زود بازده

علی ناصری محمدآبادی

عیدی دادن در ایام نوروز

مسعود حمزه ای

یکی از سنت های قدیمی در نوروز عیدی دادن به بچه ها و زوج های جوان است. در سال های نه چندان دور که روستا کوچکتر بود، بچه ها به صورت گروهی یا دسته دسته بصورت فامیلی راه می افتادند و به درب خانه افراد رفته و از صاحب خانه عیدی می گرفتند، که این عیدی ها اکثرا تخم مرغ رنگ کرده، گردو، سنجد، نخودچی و... را شامل می شد که به مرور زمان به سکه و حالا هم به اسکناس تبدیل شده است. اما مشکل از جایی شروع شد که این موضوع دچار معضل چشم و هم چشمی شده و سال به سال مبالغ بیشتری را شامل می شود که این کار طبقه متوسط و پایین جامعه را دچار مشکل می کند و نوروز برایشان به تلخی می گذرد.

پیشنهاد این است همانطور که ما اهالی روستا بعضی سنت ها و بدعت های غلط یا غیر ضروری همچون نوشتن اعلامیه و نصب بنر در ایام فوت را حذف کردیم، بیاییم در ایام نوروز که همه سرگرم شادی و دید و بازدید و صله رحم هستند، سنت عیدی دادن را اعتدال بخشیم و از دادن مبالغ زیاد عیدی پرهیز کنیم و اگرچه دست بخشنده و جیب پر پول داریم به دادن اسکناس های هزار، دو یا حداکثر پنج هزار تومانی اکتفا کنیم تا بعضی خانواده ها در این روزهای شیرین و سبز دچار تلخی و زردی نشوند.

به موفقیت های خوبی در روستا دست یابند که نسل امروز باکمترین مهاجرت به شهر در کنار هم در محمدآباد زندگی می کنند باید به بحث اشتغال بیشتر اهمیت داده شود و با توجه به اینکه زیر ساخت اشتغال در روستا فقط آب بندها می باشد که تنها در زمینه کاشت شالی و پرورش ماهی فعالیت دارد و دیگر هیچ کار اقتصادی در روستا انجام نمی گیرد و همه بدنه روستا وابسته به درآمد آب بندها می باشد. این اشکال وارد است و برای رهایی از این وابستگی باید اندیشید. لازمه هر کار اقتصادی و کارآفرینی و کسب درآمد پشتوانه مالی و سرمایه گذار می باشد با توجه به اینکه طی این چند سال دیده نشد تا سرمایه گذاری از روستا در بخش های اقتصادی وارد شود و مسیر موفقیت آمیزی را سیر کند و این ضعف که سالهاست محمد آباد را همراهی می کند و نگذاشته در زمینه اقتصادی مثل زمینه های دیگر حرف اول روستاهای استان را بزند. و هیچ طرح اقتصادی در روستا جهت به راه اندازی چرخ تولید و اشتغال در حال اجرا نمی باشد. و این مشکلات می طلبد تشکل های اقتصادی با حمایت معنوی و مادی شورای اسلامی و دهیار و شورای آب بندها و بزرگان و جوانان در این عرصه وارد شوند. و با مطالعه طرح های اقتصادی و زود بازده و با ایجاد بنگاه های اقتصادی کوچک و بومی که کمترین ریسک سرمایه گذاری داشته باشند بتوانند حرفی در اقتصاد روستا داشته باشند. تا همواره محمد آباد در این عرصه هم انگشت نمای مسئولین گردد.

محمدآباد سرآمد روستاهای گرگان زمین بوده و هست در هر زمینه ای انگشت اشاره مدیران شهری و استانی به سوی روستایمان بوده است و از بعد از انقلاب تنها روستایی بوده که با کمترین اکتفای مالی و بودجه های عمرانی فرهنگی ورزش و مذهبی توانسته در این زمینه ها گلیم خود را از آب بیرون بکشد و روستا به پیشرفت های ساختاری و عمرانی چشمگیری دست یابد. دور از ذهن نیست که بودجه تأمین شده جهت انجام این ساختارها تنها از ارگان های دولتی نبوده که اگر چنین بود باید دیگر روستاها نیز مانند محمدآباد پیشرفت هایی در بخش عمرانی و غیره آنها در سال های گذشته دیده می شد. همه این پیشرفت ها بر می گردد به برنامه ریزی و ایجاد منبع درآمد برای روستا که بزرگان در سال های گذشته با ایجاد آب بندها که حجم عظیمی از هزینه هایی که در این چند سال برای پیشرفت روستا انجام شده است که جا دارد از کلیه عزیزانی که در ایجاد این منبع اقتصادی مهم زحمت کشیدند تشکر و قدردانی نمود که با آینده نگری و برنامه ریزی جهت آب بندها، روستا را از وابستگی به بودجه ای که شاید سالها طول می کشید روستا با این هزینه های عمرانی و فرهنگی مذهبی در این سطح که در حال حاضر داریم برسیم. حال با توجه به اینکه جمعیت روستا افزایش یافته و نسل جوان بیشترین قشر این جمعیت را تشکیل می دهد که با بیشترین مشکلات اقتصادی نظیر اشتغال، ازدواج و غیره مواجه می باشند گذشتگان با فراهم نمودن منبع درآمد برای روستا توانستند بخشی از مشکلات عمرانی روستا را رفع نموده و با تزریق سالانه بیش از دو میلیارد تومان حجم سرمایه در گردش بین کشاورزان و مردم روستا و تزریق بودجه ها به تشکل های مذهبی و فرهنگی و ورزشی درون روستا کمک بزرگی به عمران و فرهنگ روستا نمایند. حال باید برای این مشکل هم اندیشید و درست مانند عزیزانی که با ارائه راهکار و ایجاد آب بندها توانستند

جامعه القرآن

سید ابوطالب حسینی

تعاونی، مدرسه، زمین و ساخت و ساز با اهالی روستا بوده باشد بعد از مدتی یک نهاد یا ارگانی برای خودش مصادره مطلوب می کند و این کار اصلاً برای ما خوشایند نیست چون چندین بار با ترنند های مختلف در روستا بهترین مکان ها روستا را که سرمایه روستا بوده خارج کرده اند.

۳- در مورد اینکه این ملک تنها در اختیار آنها قرار گیرد در آینده با مساله، حتی اجازه دادن بار حقوقی سنگینی را برای مردم روستا که از بیت المال روستا خرج شد است را دارا می باشد.

خواهشمندم از تمامی معتمدین که در این مورد تفکر و تعقل بیشتری کنند و یک نام مناسب برای این ساختمان بر گزینند و با رعایت نکات حقوقی قدم بر دارند و احساسی تصمیم نگیرند.

یک شخص یا یک مجمعی را برای تصمیم گیری در مورد این مسائل انتخاب نمایند که در سال های آتی بنابر تصمیماتی که می گیرند بتواند مقابل مردم روستا جوابگو باشند.



به حول قوه الهی و با تلاش شبانه روزی خیرین و معتمدین روستا مرکز قرآن روستا به اتمام رسید و نزدیک به افتتاح می باشد. سوالی که برای خیلی از مردم مطرح می باشد در مورد این مرکز قرآنی این است که آیا این ساخت و ساز برای جامعه القرآن که شعبه ای در محمد آباد است یا متعلق به تمامی گروه های قرآن خوانی در هر رده سنی می باشد. اگر در مورد دوم باشد که یعنی مرکز قرآنی روستا می باشد این طرح خوبی است که می تواند برای برگزاری آموزش و کلاس های صوت و حفظ و... از این مکان استفاده نمایند و یک کار خدا پسندانه و نیکویی باشد.

اما اینکه این ساختمان می خواهد در ید و تصرف شعبه جامعه القرآن باشد این یک معنای دیگری دارد. ما منکر یادگیری کودکان و نوجوانان مان برای فراگیری قرآن کریم نمی باشیم ولی این مورد اگر برای جامعه القرآن باشد چند مشکل عدیده را در آینده گریبان گیر می شود.

۱- اولاً اینکه این هزینه ها اگر برای یک گروه بوده باشد احجاف در حق تمامی گروه های و سنین برگزار کننده کلاس های قرآنی در سطح روستا می باشد که مثلاً برای یک سن و گروه مبالغ چند ده میلیونی خرج شود ولی به گروه های دیگر از بیت المال روستا برای تشویق چیزی تعلق نگیرد.

۲- از کجا معلوم که مثل گذشته که در مورد مخابرات و شرکت

پایمال کردن حق دیگران

ابوالقاسم سالاری

ادوات کشاورزی به راحتی از کنار هم عبور می کردند الان یک ماشین هم به زحمت از آن عبور می کند. لذا خواهشمند است اولاً عزیزان به حقوق دیگران احترام قائل شوند و حق دیگران را زیر پا نگذارند. در ثانی اگر مواردی هم دیده شد از طرف مسئولان وقت با آن برخورد شود و تصرف غیر قانونی که انجام شد و برای همه محرز است دوباره به جای خود برگردانده شود.

زمین خود کرده اند و ادعای مسلمانی هم دارند و بعضاً بعد از تصرف اقدام به کشیدن فنس و حصار هم کرده اند. انگار نه انگار که این خیابانها عمومی است و تجاوز به آن تجاوز به حقوق دیگران است و حق الناس محسوب می شود. باید بگویم متأسفانه در اکثر مواقع هم این تعرضات با واکنشی روبرو نمی شود و فرد خاطی هر سال مقداری از عرض خیابان را تصرف کرده تا جایی که برخی از خیابانها که زمانی دو ماشین یا

همیشه برای من سوال است که چرا آدمها به حق خودشان قانع نیستند و حقوق دیگران را پایمال می کنند. یکی از مواردی که افراد بر راحتی حق دیگران را زیر پا می گذارند و مورد بحث امروز ماست مقوله خیابانهای بین مزارع در روستاست، که همیشه توسط افرادی که در مجاورت این خیابانها قرار دارند مورد تجاوز قرار می گیرد. مطمئناً بارها و بارها دیده اید که بعضی افراد چگونه با وقاحت تمام از عرض خیابانها کم کرده و آن را ضمیمه

برگزاری آئین قدیمی نوروز خوانی

آئین سنتی نوروز خوانی در روز جمعه ۱۸ اسفند ۹۶ همزمان با ولادت با سعادت حضرت فاطمه (ص) برای دومین سال متوالی در روستای محمدآباد برگزار شد. این مراسم با همت کانون فرهنگی هنری شهید مکتبی و همکاری شورای اسلامی، دهیاری و مجمع خیرین روستا از مقابل پل هوایی روستا آغاز شد و نوروزخوانان به اکثر کوچه پس کوچه های روستا سر زده و با آواز « بهار آمد بهار آمد خوش آمد » و « نوبهار مبارک باد » و « هم محلی با وفا، الهی بری کربلا، نبینی درد و بلا، بده خیر بچه ها » مژده آمدن بهار را به اهالی نوید دادند. پس از گردش در روستا و نوید دادن رسیدن نوروز، نوروزخوانان و اهالی روستا در محل تجمع گرد هم آمده و با برگزاری مراسمی شاد از جمله نوازندگی و خوانندگی نوروزخوانان، تک نوازی نی حاج محمد محمدی، نوازندگی گروه آوای بلوچ، این آیین سنتی را همراهی نمودند. پایان بخش این مراسم پذیرایی از مهمانان با آش سنتی بود.

لازم به ذکر است در دومین سال برگزاری این مراسم مبلغ ۲,۷۰۰ میلیون تومان وجه نقد، ۶۵ کیلو برنج و هدایایی از قبیل پوشاک جمع آوری شد. تمامی این هدایا به مجمع خیرین روستا واگذار تا بین نیازمندان توزیع گردد.



احداث آب بندان سوم روستای محمدآباد

به همت هیئت امناء آب بندان و همکاری شورای اسلامی روستا آب بندان شماره ۳ روستا در ضلع جنوبی آب بندان فعلی احداث شد. وسعت این آب بندان ۱۰ هکتار و با اعتباری بالغ بر ۳۵۰ میلیون تومان از محل درآمد آب بندان ساخته شده است.



از گوشه و کنار

پوسیدگی لوله های آب شرب

فصل سرما سپری شده و کم کم فصل گرما از راه می رسد و طبق روال همه ساله کمبود آب شرب در همه نقاط روستا محسوس می باشد. یکی از علل کمبود آب، فرسودگی و شکستگی لوله های آب می باشد که در طول سال در بعضی نقاط روستا شاهد شکستگی و هدر رفت آب هستیم. ضروری است که دهیاری با همکاری آب و فاضلاب روستایی نسبت به تعویض لوله های آب شرب که بسیار قدیمی و از جنس ایرانی می باشد و به لحاظ بهداشتی نیز غیر قابل استفاده است، اقدام نماید.

نمازخانه بین راهی

در سالیان نه چندان دور، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با پیگیری شورای اسلامی وقت روستا و دهیاری اقدام به ایجاد یک مجتمع خدماتی رفاهی در جنب ساختمان دهیاری نموده که با توجه به تکمیل و افتتاح آن، ساختمان فوق با دو سرویس بهداشتی و دو نمازخانه بصورت جداگانه برای آقایان و بانوان و یک باب مغازه که با کاربری سوپرمارکت در نظر گرفته شده بود، تحویل دهیاری گردید. ولی با توجه به گذشت چندین سال هیچگونه استفاده مناسبی از آن صورت نگرفته و کاربری مغازه و نمازخانه آن تغییر کرده و بصورت انباری درآمده است. تقاضا این است دهیاری و شورای اسلامی فکری به حال این ساختمان بنمایند و از امکانات ایجاد شده به درستی استفاده شود.

فنس خیابان فرودگاه

علیرغم تذکر و گزارش کامل در شماره قبل نشریه درباره ایجاد فنس کشی در حاشیه خیابان فرودگاه و مشکلاتی که برای روستا و بخصوص کشاورزان حاشیه جاده فوق می افتد متأسفانه این اتفاق افتاد و مسئولین به راحتی و بی تفاوتی از کنار آن گذشتند و کشاورزان ماندند و مشکلات پیش رو.

برگزاری بیست و پنجمین یادواره شهدای روستای محمد آباد



کشور عده ای داریم که سیر سیرند و عده ای داریم که گرسنه ی گرسنه اند و من شرم میکنم که این را می بینم. ما باید این شکاف جهمی را از بین ببریم. ما باید اینها را حل بکنیم، باید پاسخگو باشیم، اگر نتوانیم، فردای قیامت مقابل خداوند مسئولیم. شهدای ما رفتند تا ما بر اساس عدالت کار کنیم، و این بار سنگینی است که شهدا به دوش ما گذاشتند و ما مجبور به پاسخگویی هستیم. این چیزی است که من را به عنوان یک انسان رنج میدهد. شما مردمید، ما مسئولیم و باید برای شما کاری کنیم.

بیست و پنجمین مراسم یادواره شهدای گرانقدر روستا در تاریخ ۲۸ بهمن ۹۵ همزمان با مراسم چهلمین روز شهادت جانباز شهید حاج حبیب حمزه ای در سالن ورزشی شهداء محمدآباد برگزار شد. این مراسم با توجه به هوای سرد با استقبال پر شور مردم روبرو بود. سخنران این مراسم دکتر مسعود پزشکیان نائب رئیس مجلس شورای اسلامی بود که ضمن گرامی داشتن یاد و نام شهدا تاکید کرد که باید راه شهدا را ادامه داد. ایشان در بخشی از بیاناتش به سخنان شهید بهشتی در ۱۶ ماه پس از پیروزی انقلاب اشاره کرد و گفت: ما در این

اهم فعالیت های دهیاری روستای محمد آباد

فعالیت های فرهنگی دهیاری شامل کمک در اجرای مراسم نوروز خوانی که برای اولین بار پس از انقلاب شاید در استان نیز بی نظیر بوده است کمک به کانون فرهنگی شهید مکتبی جهت برگزاری مراسمات، حضور در جشنواره فرهنگ اقوام ایران زمین برای اولین بار، فروش محصولات روستایی، کمک اجرای مراسم شبی با قرآن و تشکیل کلاسهای آموزشی و ترویجی و کمک به اجرای مراسم یادواره شهدای روستا بوده است. لازم به یادآوری می باشد که در تمامی مراحل انجام کارها به طور متوسط حدود ۱۰ نفر از اهالی روستا به طور غیر مستقیم طی یک سال گذشته به کار گرفته شده اند و حدود ۷ نفر نیز به طور مستقیم مشغول کار می باشند با سپاس از دهیار محترم روستا که با توجه به روزهای پایانی سال و در گیری های مختلف ما را در تهیه این گزارش یاری کردند.

ساخت و نصب جعبه های جدید جمع آوری زباله ضد عفونی دامداری روستا در ۲ مرحله، پخش رایگان بوته گل و گیاه در عید فطر ۹۶، گسترش فضای سبز بوستان محلی و ایجاد خزانه گل و گیاه و هرس درختان معابر عمومی بوده است اما مهمترین کار این بخش تغییر سیستم جمع آوری دستی زباله به روش مکانیزه می باشد. لازم به یادآوری می باشد که در هفته درختکاری نیز کاشت نزدیک ۱۰۰۰ اصله نهال در بوستان محلی و معابر روستا در دست انجام شد. در زمینه های ورزشی نیز تشکیل و حمایت از تیم کبدهی دهیاری محمد آباد و اخذ مجوز جهت حضور سوپر لیگ کبدهی



دهیاری ها به عنوان بازوی اصلی شوراهای اسلامی و اجرا کننده مصوبات شورا و قوانین و مقررات جمهوری اسلامی در روستا ها می باشند. دهیاری روستای محمد آباد نیز همانند دهیاری های دیگر کشور عزیزمان ایران در جهت پیشرفت و توسعه همه جانبه روستا فعالیت شایانی را انجام می دهد. انتخاب دهیار محمد آباد به عنوان

برترین دهیاری های استان گلستان و یکی از دهیاران نمونه کشوری بیانگر توانمندی و شایستگی دهیار جوان و توانمند روستا می باشد در این قسمت اخبار فعالیت های یکساله دهیاری به نظر شما خوانندگان رسانده می شود. عمده فعالیت های عمرانی دهیاری در سال ۹۶ در زمینه عمرانی شامل تعریض معابر عمومی بالغ بر ۲۲۰۰ متر مربع، جدول کشی ۱۰۰۰ متر، زیر سازی خیابان ها ۳۰۰۰ متر مربع، آسفالت ۴۱۰۰ متر مربع، لکه گیری آسفالت به مقدار ۱۸۰ متر مربع و ساخت و تجهیزات انبار دهیاری و ثبت اموال می باشد. اما در زمینه خدماتی مواردی چون جمع آوری زباله ۳۸ تن در ماه، لایروبی و پاک سازی معابر و جدول روستا، سرویس روشنایی معابر، سم پاشی درختان معابر عمومی در ۲ مرحله،



کشور با حمایت شورای محترم اسلامی، تشکیل تیم جوجیتسو محمد آباد و کسب مقام استانی و کشوری راه اندازی ورزش بانوان در رشته های فوتسال والیبال و آمادگی جسمانی، واگذاری سالن های رایگان سالن ورزشی به تیم هایی که در سطح قهرمانی فعالیت دارند و تجلیل از قهرمانان ملی و بین المللی روستا بوده است. اما در قسمت پایانی گزارش

قهرمانی تیم کبدی دهیاری روستای محمدآباد در مسابقات لیگ برتر کبدی کشور

هم به رقابت پرداختند که تیم کبدی محمدآباد توانست با اقتدار و با پیروزی بر تمامی رقبای عنوان قهرمانی این مسابقات را از آن خود کند. پیش از این نیز در سال ۸۸ تیم کبدی محمدآباد توانسته بود به این مهم دست پیدا کند.

تیم کبدی دهیاری محمدآباد توانست در مسابقات لیگ برتر کبدی کشور در سال ۹۶ به مقام قهرمانی نائل آید. این مسابقات بصورت دوره ای برگزار شد که دور نهایی آن از تاریخ ۶ بهمن الی ۱۲ بهمن ۹۶ در شهرستان کرج برگزار و تیمها در دو گروه ۵ تیمی با



قهرمانی تیم جوجیتسو محمدآباد در مسابقات قهرمانی استان گلستان

تیم جوجیتسو روستای محمدآباد توانست در مسابقات جوجیتسو قهرمانی استان به مقام قهرمانی دست یابد. این مسابقات در بهمن ماه ۹۶ در شهرستان گرگان برگزار که تیم محمدآباد توانست با ۶ مقام قهرمانی، ۲ مقام نائب قهرمانی و یک مقام سومی دست یابد و در مجموع تیم روستای محمدآباد توانست قهرمان این مسابقات شود. محمدآباد ورزشکاران بنامی در عرصه ورزش های رزمی داشته و دارد که بعضی عنوان دار در عرصه ملی هستند. با آرزوی موفقیت برای همه این عزیزان.



انتخاب غلامرضا مازندرانی بعنوان سر مربی تیم ملی کبدی آقایان کشور

با انتخاب کمیته فنی کبدی کشور غلامرضا (امیر) مازندرانی به عنوان سر مربی تیم ملی کبدی آقایان کشور انتخاب شد. مازندرانی پیش از این، هم تجربه بازیگری و هم تجربه مربیگری تیم ملی را داشته و اخیراً نیز با تیم کبدی دهیاری محمدآباد به مقام قهرمانی لیگ برتر کبدی کشور دست یافته است.

کسب مقام قهرمانی تورنمنت اروند توسط محمدتقی شعبانی بعنوان سر مربی تیم ملی ب

آقای محمدتقی شعبانی توانست بعنوان سر مربی تیم ملی ب و به همراه این تیم در تورنمنت بین المللی اروند به مقام قهرمانی دست یابد. همچنین آقای محمدرضا داوود زاده نیز بعنوان بازیکن این تیم را همراهی می کرد. نشریه ناور این موفقیت را به این عزیزان و همه ورزشکاران روستا تبریک عرض می نمائیم.

کسب مدال برنز توسط ورزشکار جوجیتسو محمدآباد در مسابقات قهرمانی کشور

محمد رمضانپور ورزشکار محمدآبادی توانست در مسابقات قهرمانی کشور در شهرستان کرج در بهمن ۹۶ در رشته جوجیتسو به مقام سومی دست یابد. این موفقیت را به ایشان تبریک عرض می کنیم و برای تمامی ورزشکاران روستا آرزوی موفقیت داریم.

دعوت از والیبالیست نوجوان روستا به اردوی تیم ملی

محمد مکتبی نوجوان خوش آتیه و با استعداد والیبالیست گلستان برای چندمین بار به اردوی تیم ملی والیبالیست نوجوانان کشور دعوت شد. برای این ورزشکار و دیگر ورزشکاران روستا آرزوی موفقیت و توفیق داریم.

اهم اقدامات و پیگیری های هیئت امناء آب بندان روستای محمدآباد در سال ۹۶

۲۴ میلیون تومان هزینه در بر داشته است. همچنین از اواخر سال ۹۶ طرح رسوب برداری آب بندان شماره یک مصوب شد که طبق گفته مسئولین آب بندان قرار است تا پایان سال تجهیز کارگاه انجام و تا پایان مرداد ۹۶ کار رسوب برداری به اتمام خواهد رسید. لازم به یادآوری است هزینه بعضی از پروژه ها از جمله طرح رسوب برداری آب بندان شماره یک و طرح تسطیح اراضی و ... از محل پروژه های استانداری گلستان تامین و بعضی دیگر توسط هیئت امناء آب بندان هزینه گردیده است. از همکاری و همراهی مردم روستا و تلاش و پیگیری های مستمر هیئت امناء و شورای اسلامی روستا در اجرای این پروژه ها کمال تشکر و سپاس را داریم.

از جمله اقدامات هیئت امناء آب بندان روستای محمدآباد در سال ۹۶ ساخت آب بندان شماره ۳ که استارت آن در سال ۹۵ خورده و در سال ۹۶ به اتمام رسید و آبگیری شد که بالغ بر ۱,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان هزینه گردید. همچنین در تکمیل آب بندان سوم ضلع شرقی آب بندان سنگ چین شده و موجگیر با هزینه ای بالغ بر احدث شد. از دیگر اقدامات هیئت امناء در سال ۹۶ تکمیل طرح تسطیح اراضی تمامی جوی ها بتن ریزی شد که جهت انجام این کار ۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان هزینه گردید. همچنین در ادامه طرح تسطیح تمامی خیابان های بین مزارع شن ریزی گردید که هزینه ای نزدیک به ۶۰۰ میلیون تومان در داشته است. در ادامه اقدامات هیئت امناء کانال ها و زهکش ها و رسوبگیر لایروبی گردید که جهت انجام آن



گروه قرآن خوانی

عکس نوشت



قرآن خوانی در روستای ما پیشینه ای قدیمی دارد و از قدیم الایام محمدآباد دارای گروه های مختلف قرائت قرآن بوده است. در این شماره سراغ یکی دیگر از این گروه ها رفتیم. بچه های این گروه، خواندن گروهی قرآن رو از یکی از خانه باغ های روستا شروع کردند، البته خانه باغ که همیشه گفت ی کومه ای بود کاهگلی، زیاد تر و تمیز و شیک هم نبود ولی جای باصفا و دنجی بود و دل های بچه ها به هم نزدیک بود. بعد از چند وقتی و با خراب شدن خانه باغ مکان قرآن خوانی عوض شد و طبقه بالای دفتر هیئت جان نثاران صاحب الزمان شد مکان جدید گروه قرآن خوانی. امید که قرآن راهگشای زندگی همه ما باشد.

شوراهای اسلامی و توسعه روستایی

کریم محمدی

تفاوت قولنامه و مبیعه نامه

مبیعه نامه قرارداد است که طی آن بیع به قراردادی اطلاق می شود که طبق آن مالی به دیگری فروخته می شود. در نتیجه عرفاً قرارداد مکتوبی بین طرفین (فروشنده و خریدار) تنظیم می گردد. بر اساس آن مالی در مقابل دریافت عوض یا بهاء یا قیمت فروخته می شود. مبیعه نامه به شمار می رود.

قولنامه: گاهی افراد قصد خرید یا فروش مالی دارند ولی مقدمات آن فراهم نیست. مثلاً خریدار پول کافی ندارد و یا فروشنده باید نسبت به مفاصل (تصفیه حساب) شهرداری و دارایی و غیره اقدام نماید در این طرفین، قراردادی عادی تنظیم می کنند و در آن متعهد می شوند در زمان و مکان مشخصی (دفتر اسناد رسمی) حضور یابند و با شرایط تعیین شده در قرارداد معامله را واقع سازند.

اما تفاوت مبیعه نامه و قولنامه

عموم مردم به قولنامه مبیعه نامه هم می گویند. اما باید گفت که این دو واژه از لحاظ حقوقی تفاوت دارند. تفاوت آنها در این سوال که یکی از طرفین معامله از تعهد خود سرباز زند چه می شود یافت.

همانگونه که گفتیم مبیعه نامه یعنی همان قرارداد بیع اگر متعهد به تعهد خود عمل نکند می توان ایشان را ملزم به تسلیم بیع یا ثمن کرد.

اما در قولنامه به موجب آن می توان الزام (اجبار) به انجام تعهد از دادگاه در خواست نمود. بدین ترتیب اگر فروشنده از حضور در دفتر اسناد رسمی و انتقال آن به خریدار خود داری کند خریدار می تواند از دادگاه در خواست نماید تا او برای به نام زدن مجبور کنند و دادگاه می تواند به صورت تقاضا خواهان حکم به الزام به انجام معامله رسمی و پرداخت وجه التزام صادر کند.

دلیل اصلی این می تواند باشد که ما اهالی روستا از اعضای شورایمان انتظارات غیر واقعی و بیش از حد توان آنها داریم. ما متأسفانه شورا را مسوول رسیدگی به تمام مشکلات عدیده روستا می دانیم. مردم احساس می کنند که هر مشکل و نقصی در روستا وجود داشته باشد، وظیفه رسیدگی آن برعهده شوراهاست. اما هیچوقت به این فکر نکردیم که آیا واقعاً ضمانت اجرایی و قدرت کافی شوراها در مواجهه با آن مسائل مورد نظر وجود دارد یا شوراها از آن برخوردار هستند. متأسفانه عدم دانش و پایین بودن میزان آگاهی ما از ساختار و وظایف شورا باعث شده که شورا و بخش اجرایی آن یعنی دهیاری را که نهادی عمومی و غیردولتی هستند به عنوان نهادی دولتی و وابسته به دولت تلقی کنیم و این سبب شده است بر روی میزان همکاری های ما مردم با شورا اختلال ایجاد کرده و مشارکت های مردمی را کاهش داده است.

آموزش و توانمندسازی شوراها:

منتهی نباید از این امر مهم و اساسی در موفقیت بیشتر شوراها یعنی داشتن سواد تخصصی، آموزش های علمی و عملی لازم در زمینه کشاورزی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و میزان آشنایی با حوزه ها گوناگون غافل باشیم. بنابراین لازم است اعضای شورا با امور اداری و سازمانی، ساختار تشکیلات ادارات و سازمان ها، مکاتبات اداری، امور حقوقی و قضایی برای دفاع از حقوق مردم با امور اجتماعی و سیاسی یعنی روش های جلب مشارکت مردم و نیروهای بانفوذ روستا و نیز تاسیس و تقویت نهادهای مشارکتی، با امور فرهنگی و عمران و توسعه روستایی و ... آشنایی بیشتری داشته باشند. لذا برای ارتقای کارایی شوراها باید سطح آموزش های عمومی آنها را ارتقا داد و براساس سطح آموزش عمومی به ارایه آموزش های تخصصی پرداخت.

منابع:

- ۱- ازکیا، مصطفی، (۱۳۸۱) جامعه شناسی توسعه، تهران: نشر کلمه
- ۲- ازکیا، مصطفی، (۱۳۸۵) جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، تهران: انتشارات اطلاعات
- ۳- ازکیا، مطفی، حسنی راد، کریم (۱۳۸۸) نقش اعتماد اجتماعی در مشارکت مردم در طرح های توسعه روستایی، پژوهش نامه علوم اجتماعی سال ۳ شماره ۱

حضور فعال مردم در برنامه ها و فعالیت هایی که در روستا انجام می شود را می توان به عنوان یکی از مهمترین عواملی رشد و توسعه اجتماعی - اقتصادی روستا برشمرد. زیرا بدون همیاری و مشارکت مردم، توسعه مفهومی نخواهد داشت، چرا که هرگامی که در راه رشد و توسعه برداشته می شود، باید با همراهی مردم انجام گیرد. یعنی برنامه ریزی از «پایین به بالا» که در این اینجا جایگاه و نقش شوراها و دهیاریها می تواند بسیار موثر و اثر بخش باشد در رشد و توسعه روستا که در این مقاله سعی می شود به همین موضوع پرداخته شود.

اهمیت استفاده از پتانسیل های موجود در روستا: ساختار اجتماعی کشور به گونه ایست که، نظام شورایی بهترین روش برای استفاده از توان و نیروی مردمی در برنامه های گوناگون می تواند باشد. یک مورد همین برگزاری جلسه عمومی برای اهالی روستا پیرامون مباحث مطرحه می تواند باشد. که استناد قانونی هم میتوان برای آن برشمرد (ماده ۱۶ آیین نامه اجرایی تشکیلات، انتخابات داخلی و امور مالی شوراهای اسلامی روستا). از آنجاکه روستای محمد آباد دارای شرایط خاص و پتانسیل فراوانی است این شیوه می تواند بسیار اثر گذاری باشد. و در این رابطه دهیاری و شورا می تواند به گونه ای هدفمند عمل کند که محور وحدت و انسجام در روستا باشند.

مسئله قابل توجه در رابطه با شوراهای روستایی اینکه در ابتدای انقلاب به سبب برخورداری از جو و روحیه انقلابی موجود در جامعه و حمایت هایی که کم و بیش سایر دستگاه های مرتبط داشتند با اعتماد و همدلی که بین آنها و مردم بود کارهایی را با توجه به تجربه اندکشان انجام دهند. اما باید ببینیم که چگونه شد آن همه شور و علاقه و پشتکار و به چه دلیل شوراهای ما دچار ضعف و نقصان شده اند؟ و چرا گرایش اهالی روستا به شوراهای سال به سال سیر نزولی داشته است؟ به هر حال می توان عواملی را برای این مسائل برشمرد مانند:

عدم انسجام درونی بین اعضا شورا، دلسردی برخی از اعضای شوراها، مسائل و مشکلاتی که در رابطه با روابط اجتماعی با مردم در سطح روستا برای آنها پیش آمده بود، کاهش اعتماد مردم به شورا و ... را می توان نام برد. شورای روستایی یعنی؟ اما آیا فکر نمی کنید به غیر از عوامل یاد شده

احکام نماز

ابوطالب حسینی

در عظمت نماز همین اندازه کفایت میکند که جامع تر و کامل تر از نماز در بین عبادات برای خداوند عبادتی پیدا نمی شود. زیرا نماز عبادتی است مشتمل بر ۲ رکن که هم عبادت فعلی (انجام کار) و هم عبادت قولی است. در توضیح عبادت فعلی می شود به روزه گرفتن استناد کرد و در عبادت قولی مثل گفتن ذکر برای ثواب و قرب الی عبادت عملی و فعلی نماز، شامل رکوع - سجود - قیام است و عبادت قولی شامل قرائت و ذکر و جامع ترین معارف الهیه از تسبیح و تکبیر و حمد خداوند می باشد و شامل بر تمام عبادات ملائکه که عده ای از آنها در عبادتشان در قیام است و عده ای در قعود و جمعی در رکوع و سجود خداوند باری تعالی می باشند. در حال نماز به یاد خداوند باید با خضوع و خشوع بود و متوجه باشیم با چه کسی سخن می گوئیم و خود را در مقابل عظمت و بندگی خداوندی عالم ناچیز ببیند. نمازهای واجب بر ۶ صورت می باشد.

۱- نماز یومیه؛ ۲- نماز آیات؛ ۳- نماز میت؛ ۴- نماز طواف واجب کعبه؛ ۵- نماز قضای پدر که بر پسر بزرگ واجب است؛ ۶- نمازی که به واسطه نذر، قسم، عهد و شرط در ضمن عقد واجب می شود.

- مستحب است انسان نماز را در اول وقت آن بخواند و راجع به آن خیلی سفارش شده است مگر تاخیر آن به خاطر خواندن نماز را به جماعت باشد.

- برگرداندن نیت از نماز قضا به نماز ادا و از نماز مستحب به نماز واجب جایز نیست.

- احتیاط واجب آن است که نماز مغرب را از پنهان شدن قرص خورشید تاخیر بیندازد تا سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می شود از بین برود.

- کسی که نماز واجب را ایستاده می خواند، باید صورت و سینه و شکم او رو به قبله باشد و احتیاط مستحب آن است که انگشتان پای او هم رو به قبله باشد.

- مستحب است در موقع نماز پوشیدن لباس سفید و پاکیزه ترین لباسها و استعمال بوی خوش و دست کردن انگشت عقیق .

- در موقع خواندن نماز پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ و نیز بازبودن دکمه لباس مکروه می باشد.

- اگر مردی نداند یا فراموش کند که مثلاً انگشت یا لباس او از طلا است یا شک داشته باشد و با آن نماز بخواند صحیح است .

- کسی که در مسجد نشسته و اگر شخص دیگر جای او را غصب کند و در جای آن نماز بخواند، نمازش باطل است.

- باید بین مرد و زن در حال نماز حداقل یک وجب به اندازه ۲۰ سانتی متر فاصله باشد.

- کسی که در محل عبور مردم نماز می خواند یا کسی که روبه روی اوست مستحب است، جلوی خود چیزی (چوب - ریسمن - عصا - تسبیح و ...) بگذارد.

- وقتی شخصی وارد مسجد شد، مستحب است ۲ رکعت نماز به قصد تحیت و احترام مسجد بخواند، اگر نماز واجب یا مستحب دیگری دارد، بخواند کافی است.

محمد آباد در گذر زمان

رمضانعلی حمزه ای

عالیه و نداشتن شغل مناسب مجبورند، شغل پدرانشان را ادامه دهند.

علت چیست؟ روستایی که مردمانش در دوران های قبل و پس از انقلاب همه ی دار و ندار و خود را تقدیم انقلاب نمودند؛ در مقطعی بعد از جنگ مورد بی مهری و تهمتهای ناروا قرار گرفتند که این بی مهری ها بعضاً دامن جوانان را گرفته و موقعیتهای و فرصت های شغلی را از ایشان سلب نموده است. روستاهایی که در زمان انقلاب وفادار به نظام شاهنشاهی بوده و یا کمتر در زمان دفاع مقدس شرکت نمودند، شاید الان تعداد نیروهای اداری و صاحب منصب آنان در ادارات و ارگانها و نهادهای مختلف بیشتر از محمدآباد باشد و انقلابی تر از ما هم شده اند. الان که ظاهراً اوضاع بر وفق مراد است و مسئولان استانی و شهرستانی شناخت دقیق و مناسبی نسبت به روستا دارند، انتظار این است که به داد این روستا برسند و جوانان بیکار و تحصیلکرده را در یابند.

ناگفته نماند که در دوران جنگ، جهاد سازندگی آب بندانی در شمال این روستا احداث نموده که عمدتاً ارتزاق اهالی و منابع مالی و نهادهایی همچون شورای اسلامی از این آب بندها بوده که شاید همین مزید بر علت بیکاری باشد و شغل های کاذب و فصلی برای جوانان ایجاد نموده (حداکثر یک ماه) و آنها را از دسترسی به شغل مناسب دائمی باز داشته است. و علاوه بر آن بعضی از مسئولین اعم از مسئولین روستا و شهرستان و استان چنان در بوق دمیده اند که کجایید؟ این روستا از نظر اقتصاد مقاومتی نمونه است و هیچ دغدغه ی دیگری ندارد که ظاهراً این هم سرپوشی است بر بیکاری جوانان و ...

اگر کمی پا به سن گذاشته باشی و بافت قدیمی روستا را که فقط به غرب جاده آق قلا منحصر بود و دوتا خیابان و چندتا کوچه داشت را دیده باشی، حتماً در حاشیه غرب روستا زمین هایی با ارتفاع پایین تر از سطح روستا را یادداشت و یا از بزرگترها شنیدی که دور تا دور روستا خندق بود که در دوران قاجار کاربرد نظامی داشته و برای دفاع از روستا و شهر گرگان در زمان یورش یاغیان از سمت شمال، حکم خط مقدم را داشته که در زمان (طبق نقل قولها) چندین تن از اهالی روستا نیز جان خود را به جهت دفاع از آب و خاک فدا نموده اند که به روح و روان آنان درود می فرستیم. در سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ نیز ظلم فراوانی به این روستا وارد گردیده که علاوه بر تصرف صدها هکتار از زمین های کشاورزان، تعداد زیادی از مردان روستا به زندان رفته و یا آواره گردیدند که ذکر آن خارج از حوصله این بحث است. اما در دوران انقلاب و پس از انقلاب در توطئه منافقین و دوران جنگ تحمیلی، رشادتهای رزمندگان روستا در جبهه های مختلف نبرد، زبازد عام و خاص بوده و حداقل حضور ۵/۱ جمعیت آن زمان روستا اعم از مردان در جبهه و زنان در پشتیبانی جبهه، این روستا را در سالهای متوالی به عنوان روستا نمونه در آورده بودند. اینها را گفتم تا کسی که روستا را ندیده و یا نمیشناسد، مختصری از سابقه این روستا را بداند و اما بعد از جنگ همان رزمندگان دوران دفاع مقدس، بدون ادعا و سهم خواهی دوباره برگشتند به مزارع و در زمینهایشان و از سر گرفتن کشاورزی، کشاورزی و نسل به نسل به جوانان رسیده که حتی با داشتن تحصیلات

نقش زراعت پنبه در اشتغال زایی و مشکلات

ولی سعادت‌تی

در جامعه امروز یکی از مسائلی که خیلی مردم با آن سر و کار دارند مسائل حقوقی است که متأسفانه اکثراً نسبت به این مسائل کم اطلاع و یا بی اطلاع هستند. در این شماره یک با نمونه‌هایی از مسائل حقوقی بصورت مختصر آشنا می‌شویم. اموال غیرقابل توقیف چنین توضیح داده می‌شود. بعضی از مستثنیات دین (بدهی) اموالی است که برای زندگی فرد یا یک خانواده ضرورت دارد که قانون آنها را مشخص کرده است. مثل اتموبیلی که بدهکار به وسیله‌ی آن درآمد خانواده خود را کسب می‌کند و به جز آن درآمد دیگری ندارد.

مستند به ماده ۵۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی و ۶۵ اجرای احکام مدنی، اجرای رای مستثنیات دین اموال محکوم علیه، از جمله مسکن مورد نیاز محکوم علیه (حکم شده بر علیه او) و خانواده‌ی وی وسیله‌ی نقلیه مناسب، اثاثیه مورد نیاز و آذوقه، کتب و وسایل ابزار کار، قابلیت اجرای حکم ندارد. همچنین در بعضی از موارد، اموالی که مالکیت محکوم علیه نسبت به آنها محرز نیست و هیچ دلیلی بر ید مالکانه وی وجود ندارد، قابلیت توقیف ندارد. اجرای احکام حقوقی توسط دادورز اجرا در دفتر شعبه صادرکننده رای بدوی به ریاست مدیر دفتر دادگاه مستقر است، صورت می‌گیرد. این در حالی است که اجرای احکام کیفری در دادرسی که شکایت در آنجا مطرح و منجر به صدور کیفر خواست شده است، انجام می‌پذیرد.

گذاشتن مانع در خیابان قراردادن موانع از سوی کسبه، نگهبانان، ادارات و یا هر شخص دیگر در کنار کوچه، خیابان، مقابل مغازه یا خانه و ممانعت از پارک خودروهای دیگر نقض آشکار حقوق شهروندی است و طبق قانون مجازات نیز دارد. مسدود کردن کوچه و خیابان جرم است و مجازات دارد؛ طبق ماده ۲۴ قانون مدنی هیچ کس نمی‌تواند کوچه و خیابان‌هایی که بن بست یا مسدود نیست را تحت تملک قرار دهد.

طبق ماده ۸۳۷ قانون مدنی اگر کسی به موجب وصیت یک یا چند نفر از ورثه خود را از ارث محروم کند وصیت مذکور نافذ نیست مگر با رضایت وراثت

۴- عدم افزایش قیمت پنبه متناسب با قیمت تمام شده آن
۵- کمبود آب و کاهش بارندگی‌های منطقه به سنوات قبل
۶- تفکیک اراضی به قطعات کوچکتر و ناکارایی وسایل مکانیزاسیون در آنها
۷- موارد بسیار دیگر

و اما امروزه چه باید کرد؟ در سالهای اخیر اقدامات قابل توجهی از سوی سازمان‌های جهاد کشاورزی صورت گرفته است. فعالیت‌های محققان در امر تولید با کیفیت و ارقام‌های بالا و متحمل به کم‌آبی و ارقام متحمل برخی آفات، تهیه بذور پنبه جهت برداشت مکانیزه پنبه، واردات دستگاه‌های پنبه چین با اندازه‌های متفاوت جهت کار در سطوح مختلف و همچنین سرمایه‌گذاری و پرداخت یارانه در امر سیستم‌های آبیاری نوین، پرداخت تسهیلات جهت برقی کردن چاه‌های آب، تخصیص اعتبار یارانه دار جهت خط لوله انتقال آب، ... همه و همه می‌رود پنبه دوباره جان تازه‌ای به خود بگیرد به شرطی که

۱- هزینه تولید پنبه با صنایع وابسته که وارد کشور شده است کاهش یابد و قیمت تمام شده آن برای تولیدکننده مقرون به صرفه باشد.

۲- از طریق مسئولین بازرگانی نسبت به واردات پنبه و پارچه و لباس و ... به قیمت تمام شده داخلی توجه کنند و با قیمت پایین وارد کشور شود

۳- مسئولین خود را از مردم بدانند و به جای احداث کارخانه جدید پنبه پاکنی و هدر دادن اموال عمومی شرایط را برای تولید بیشتر پنبه در منطقه مهیا سازند تا همین کارخانه‌ها فعال بمانند.

۴- به نظر می‌رسد اگر وزارت صنعت و معدن و تجارت در امر واردات پنبه و متعلقات به آن با قیمت تمام شده در داخل کشور، توجه کافی نماید و به آن عمل کند قیمت پنبه افزایش خواهد یافت دیگر لازم نیست مردم استان گلستان که دیروز پنبه می‌چیدند امروز در استان‌های دیگر مشغول کار یا بیکار باشند.

به امید آن روز که مسئولین، به ویژه نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، دقت کافی، نگاهی مثبت، نظارت لازم بر اجرائی قوانین و ادات داشته باشند به عبارت دیگر ریشه قاچاق را بخشکانند.

هنوز کهنسالان و جوانان دیروز یادشان هست که یکی از زراعت‌های مهم منطقه که مردم با آن امرار معاش می‌کردند زراعت پنبه بود هر روز مردم منطقه در غروب هر روز پنبه‌هایشان را با وسایل مختلف از اسب گرفته، وانت، تراکتور به خانه‌هایشان یا محل فروش می‌رساندند. هر روز هزاران نفر پنبه چین در مزارع استان از اوایل پاییز تا اواخر تابستان تا اواسط زمستان مشغول برداشت پنبه بودند و در کنار آن خریداران پنبه اعم از محلی یا کارخانه نسبت به خرید پنبه اقدام می‌کردند و کارخانه‌ها شبانه روز با سه شیفت کارگر مشغول به کار بود. گاه‌آ تصفیه پنبه کارخانجات تا بهار سال آینده طول می‌کشید. اگر به تاریخ کشت پنبه در استان در سالهای قبل توجه کنیم می‌بینیم از سال ۱۳۵۳ در سطحی تقریباً ۱۸۸۰۰ هکتار در گرگان کبند یعنی استان گلستان امروز کشت می‌شد. این آمار در سال ۱۳۵۷ به ۱۶۵۰۰ و در سال ۱۳۶۷ به ۹۰۰۰ هکتار رسید که تلاش مسئولین وقت و حمایت آنان کشت پنبه دوباره سیر صعودی به خود گرفت. در سال ۱۳۶۸ به ۱۱۵۰۰ هکتار دوباره سیر نزولی پیدا کرد و در سال ۱۳۸۳ به ۳۰۵۳ هکتار و با چند بار فراز و نشیب امروز در سال ۱۳۹۶ به ۹۶۱۴ هکتار رسید. به تناسب هر افزایش و کاهش کشت پنبه، مردم به کار مشغول و یا بالعکس از کار بیکار می‌شدند. فعالیت‌های جانبی هم مثل کارخانجات پنبه پاکنی، ریسندگی، بافندگی، دوزندگی و ... فروش محصولات دهها صنعت مرتبط، به کار مشغول و یا بیکار می‌شوند بسیاری از صنایع مثل صنعت دام هم به آن مربوط میشود و از آن بهرمنده می‌شوند. امروز اگر خواسته باشیم به امر اشتغال عنایت داشته باشیم نمی‌توان از مبحث زراعت پنبه به آسانی عبور کرد. یک سوال مهم پیش می‌آید اینکه علت و دلایل کاهش پنبه در امروز چیست؟ و چگونه می‌توان دوباره کشت اشتغال زایی پنبه را احیاء نمود؟

۱- افزایش هزینه تولید پنبه اعم از ادامه روند پنبه چینی سنتی یا دستی، افزایش نامتناسب قیمت پنبه و نهادهای بخش کشاورزی اعم از کود و سم و ...

۲- ورود پنبه مخلوج با قیمت پایین از کشورهای همسایه با تعرفه پایین
۳- ورود پارچه، لباس، نخ به داخل کشور

سهم محمدآباد از فضای آموزشی واقع در روستا

محمد حمزه ای

تأیید آموزش و پرورش شهرستان گرگان قرار گرفته است. روی سخن این نوشته بیشتر با ریاست محترم آموزش و پرورش شهرستان گرگان و استان و دیگر دست اندر کاران امر می باشد که آیا جواب همراهی و همکاری اهالی محترم روستا در این سالها این بوده است که این ساختمان را نیز از دانش آموزان در روستا محمدآباد دریغ کنند؟ دوستان آموزش و پرورش به راستی این کار خود را چه می نامید هنگامی که در مراسم افتتاحیه و گزارش کارهای خود با افتخار از ساخت این مدارس خواهید گفت. آیا به این نکته توجه خواهید کرد که با اهالی محمدآباد صادق نبوده اید و راستگویی پیشه نکردید؟ جناب ریاست محترم آموزش و پرورش آیا تا به حال به مدرسه ابتدایی محمدآباد سری زده اید و از چگونگی استقرار دانش آموزان پسر و دختر روستا در کلاس های تنگ و تاریک خبر دارید؟ آیا خبر دارید در این مدرسه از کانتینر استفاده می شود؟ آیا خبر دارید چون شصت سال پیش برای برگزاری کلاس پیش دبستانی دست به دامن مسجد شده اند؟ چرا باید زمینی که برای آموزش و پرورش فرزندان روستا اهدا گردیده بود در اختیار دیگران قرار گیرد. مگر نه اینکه گفته چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است. به راستی سهم محمدآباد از ساخت دو مدرسه بزرگ در روستا چند متر می باشد. آقایان مسئولین روستا امیدواریم از خواب غفلت بیدار شوید و به خود بیایید که آیندگان شما را نخواهند بخشید.

مدرسه روستا را نیز مال خود کرده است) تابستان سال ۹۶ نیز خبر خوشی در روستا پیچید که به دنبال بازسازی مدرسه ابتدایی قدیم (مدرسه پایین) قرار بر ساخت مدرسه ای جدید برای روستا می باشد و در اسرع وقت مدرسه راهنمایی بالا تخلیه گردید و با کمک و همراهی شورای اسلامی و

چرا باید زمینی که برای آموزش و پرورش فرزندان روستا اهدا گردیده بود در اختیار دیگران قرار گیرد. مگر نه اینکه گفته چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است. به راستی سهم محمدآباد از ساخت دو مدرسه بزرگ در روستا چند متر می باشد

دهیاری محترم روستا پیمانکاران خارج از استانی شروع به ساخت و ساز کردند و اهالی محترم روستا به ویژه اهالی فرهنگ و هنر خوشحال از آغاز ساخت و ساز مدرسه جدید بودند که ناگهان خبری در روستا پیچید که قرار است این مدرسه نیز چون هنرستان سرداران به دبیرستان نمونه یا تیزهوشان و یا هر چیز دیگری تبدیل شود که این خبر نیز جدیداً مورد

در حدود شصت سال پیش که چهل مدرسه در گرگان و روستا های اطراف آن راه اندازی گردید، اولین مدرسه محمدآباد نیز در محل مسجد جامع روستا تشکیل گردید و فردی شاهرودی به عنوان اولین معلم و سپس شخصی به نام آقای زحمت کش تدریس و مدیریت این مدرسه را بر عهده داشتند. در زمانهای بعد محمدآباد به همراه روستا هایی چون سرخنکلاته، آلوکلاته در منطقه شمال گرگان از جمله روستاهایی بودند که دارای مدرسه بوده و دانش آموزان روستاهای همجوار نیز برای تحصیل و ادامه آن به این روستاها می رفتند. دانش آموزان روستاهایی چون کماسی، فوجرد، اترچال و قربانآباد نیز برای تحصیل به مدرسه محمدآباد می آمدند و از آن زمان تا کنون نیز محمدآباد به عنوان مرکز ثقل فرهنگی و تحصیلی منطقه شناخته می شود و مردمان فهیم و زحمت کش و رنج دیده محمدآباد نیز خدمات بسیاری را در جهت گسترش فرهنگ و دانش منطقه بر عهده داشتند. از جمله این خدمات اهدای زمین و ملک های بزرگ و چشمگیر در بهترین مناطق روستا جهت احداث مدرسه به دولت های وقت بوده است که هم اکنون نیز آموزش و پرورش شهرستان گرگان و شاید استان، بیشترین سود را از محل این زمین های اهدایی مردم محمدآباد بوده است. وجود هنرستان سرداران شهید در بهترین موقعیت مکانی روستا و مرکز روستا نشان دهنده ی این واقعیت می باشد. (لازم به یاد آوری است این هنرستان حتی زمین ورزشی تنها



هرگز از یاد من آن سرو خرامان نرود

شهید بزرگوار انجام دهیم. این ویژه نامه هر چند حق مطلب را ادا نمی کند اما سعی بر این بوده که گوشه ای از ۳۴ سال رنج و صبوری این شهید بزرگوار را به رشته تحریر درآوریم. روح همه شهداء قرین رحمت الهی و یادشان جاویدان

پس از شهادت جانباز شهید حاج حبیب حمزه ای هیئت تحریریه ناور بر آن شد تا ویژه نامه ای جهت گرامیداشت یاد و خاطره آن شهید بزرگوار در نشریه داشته باشیم. مطالبی خواهید خواند در فرصتی کوتاه گردآوری و تنظیم شده است و مطمئناً عاری از نقص نیست. امیدواریم در آینده ای نزدیک کاری در خور شأن و مقام شهداء و این

شناسنامه جانباز قطع نخاع، شهید حاج حبیب حمزه ای

در یکی از روزهای خوب خدا، بتاريخ / / ۱۳۴۰ هـ. ش، کودکی خوش یمن و نیک آتیه در خانواده ای کشاورز و کارگر پا به عرصه هستی نهاد. پدر زحمتکش و مادر مهربان را از تولد اولین پسر خانواده چشم روشنی بزرگ و موهبتی ماندگار مرحمت فرمود، کانون محقر و ساده با ورود مهمان تازه وارد، سرشار از مسرت و شادمانی شد، پدر علی رغم اینکه درآمد کافی نداشت و امورات زندگی را به سختی می گذراند. ولی بیش از سایرین خوشحال شد.

با توجه به آداب دین اسلام، پدر و مادر وظیفه دارند برای فرزند خود نامی نیکو و زیبا برگزینند. گرچه والدین از نعمت خواندن و نوشتن معروف محروم بودند، اما نسبت به مسائل دینی، از جمله انتخاب نام شایسته برای فرزندان خود، توجه لازم را داشتند، لذا نام کودک معصوم را «حبیب» گذاشتند تا راه و روش دوستی و محبت خداوند را سرلوحه زندگی قرار دهد و جز به راه محبوب، راه دیگری نرود.

دوران کودکی

دوران کودکی را با توجه به اینکه اسم او، اسم پدر بزرگش بود در بین فامیلهای دارای احترام خاصی بود و همگی به او علاقه و دوستش داشتند. بنا به گفته پدرش نامبرده را در حین انجام کار کشاورزی در گرمای سوزان با پای پیاده با خود میبردند و با احداث سایه بان از او مراقبت میکردند تا به مرحله رشد و نونهالی برسد.



نام: حبیب / نام خانوادگی: حمزه
ای / نام پدر: محمدرضا / تاریخ تولد: ۱۳۴۰ / شماره شناسنامه: ۱ / صادره: گرگان / محل تولد: روستای محمدآباد / موقعیت در خانواده: فرزند ارشد پسر / وضعیت تاهل: متاهل / تحصیلات: دیپلم / حضور در منطقه جنگی (جبهه): ۲۶ ماه / تاریخ شهادت: ۹۶/۱۰/۳۰ (روز شنبه، ساعت ۱۰ صبح) / چگونگی مجروحیت و شهادت: بعد از پایان خدمت سربازی در ارتش، در سال ۶۲ با بسیج به جبهه اعزام می شود که در عملیات والفجر ۶ با اصابت تیر به زیر سینه راست بدن و آسیب رساندن به ستون فقرات جانباز قطع نخاع می شود و این وضعیت بمدت ۳۴ سال با آسیب رساندن به دیگر اعضای داخلی بدن مثل کلیه، کبد، مثانه و که در نهایت بعد از تحمل سالها درد و رنج و سختی جان به جانان آفرین و درجه رفیع شهادت نائل میگردد.

نام عملیات: والفجر ۶ / سال عملیات: ۶۲/۱۲/۲ / رمز عملیات: یا زهرا (س) / ساعت: ۲۳:۳۰ / منطقه عملیات: چزابه و چیلالت (در جنوب دهلران) / محل دفن: گلزار شهدای شهرستان گرگان.



از پایان خدمت به عنوان رزمنده بسیجی برای اولین بار در سال ۶۲ توفیق حضور در در جبهه در منطقه عملیاتی جنوب غرب کشور، منطقه دهلران و جزایه را بدست آورده بود، لذا وجودش سرشار از احساسات وصف ناشدنی گشت و خداوند را به خاطر این امر بزرگ شکرگذاری نمود.

آری او از سرزمین دیگری بود و مقصدش و رای این آب و خاک، جبهه را که رنگ و بوی الهی داشت، منزل و مأوای خود برگزید و با بی قراری و شیدایی، مقصد مقدسی که با فراز و نشیب های زیاد، با آغاز عملیات والفجر ۶ کلید خورد. سرانجام در عملیات فوق در جنوب دهلران در منطقه چیلان و جزایه در نبردی جانانه به تاریخ ۶۲/۱۲/۲ در حین نبرد با اصابت تیر به سینه راست بدن، مجروح می شود و بعد از انتقال به عقبه منطقه عملیاتی و از آنجا به مشهد و سپس گرگان اعزام و بستری می شود.

در گرگان بعد از عمل جراحی و برداشت پوسته مرمی تیر چسبیده به ستون فقرات نامبرده جانباز قطع نخاع می شود.

قطع نخاعی این جانباز عزیز به مدت ۳۴ سال تداوم داشت که طی این مدت سایر اعضای بدن او مثل کلیه، مثانه، کبد و ایجاد زخمهای متعدد و بعد از چندین و چندبار جراحی از کار افتاد، سرانجام بعد از تحمل سالها درد و رنج در روز شنبه ساعت ۱۰ صبح مورخه ۹۶/۱۰/۳۰ روح پاکش از قفس تن، مشتاق و سبکبال آزاد گشت و بسوی دیار ابدی به پرواز درآمد و خاکدان دنیای زودگذر و پر آشوب و نیرنگ را به اهلیش سپرد و راه آزادگی و جوانمردی

و دفاع از کیان وطن و میهن اسلامی را در پیشروی فرزندان این آب و خاک برای همیشه ترسیم نمود. روحش شاد و راهش مستدام

باد.

هرگز

نقش

تواز



دوران تحصیلی

سال ۱۳۴۷ هـ ش در مدرسه ابتدایی روستای محمدآباد ثبت نام نمود و اولین گام فراگیری علم و دانش را آغاز کرد. مقطع ابتدایی را با شوق و رغبت طی نمود و بعد از آن دوره راهنمایی را در شهر گرگان سپری کرد. دوران سختی بود، زمان فقر و تنگدستی خانواده، اما چون فرزند پسر اول، پدر با هر مشقتی که بود با کارگری و ... هزینه تحصیلات دوره راهنمایی و دبیرستان را فراهم میکرد تا اینکه در سال ۱۳۵۷ که حادثه مهم و تاریخی پیروزی انقلاب اسلامی با فداکاری ملت قهرمان ایران شروع شد.

شهید در سال ۵۷ در کلاس سوم دبیرستان بود که انقلاب آغاز شد و زمینه حضور او در صحنه های مختلف انقلاب و کشور همراه شد.

با پایان دوره دبیرستان و گرفتن دیپلم رخداد مهم دیگری به وقوع پیوست و آن آغاز جنگ تحمیلی و تهاجم ددمنشانه رژیم بعث عراق به خاک ایران بوده است که این حادثه مهم، نقطه عطف و ترنم عروج او را به خیل ملکو تیان طنین انداز کرده بود.

خدمت سربازی

در سال ۱۳۶۰ بعد از اخذ مدرک دیپلم و شروع جنگ تحمیلی به خدمت مقدس سربازی اعزام می شود. بعد از پایان دوره آموزشی و اعزام به لشکر ۶۴ ارومیه در یگان مهندسی، قسمت پل سازی مشغول انجام خدمت در زمان جنگ تحمیلی شد.

در سال ۶۲ با پایان خدمت سربازی و اتمام مأموریت به خانه برمیگردد و مدتی را به استراحت می گذراند. پس

لوح دل و جان نرود
هرگز از یاد من آن سرو خرامان نرود
آن که است اهل بشارت که اشارت داند
نکته ها هست بسی محرم اسرار
کجاست



گفتیم اگه ولش کنیم؛ باید جسدش رو ببریم عقب

بستیم. کوله پشتی ها را گذاشتیم و فقط اسحله برداشتیم. من بالاتنه حاج حبیب را گرفتم و دکتر ابوالحسن پاهاش رو. حدود ۲ ساعت که از بین کوه ها رفتیم به ران دکتر ابوالحسن ترکش خورد که پاهاش را بستیم و باز راه افتادیم. بعد از حدود ۴ ساعت به سنگر رسیدیم، هوا تاریک شده بود، جانشین سوم گردان گفت: حاج حبیب باشه فردا صبح ببریدش عقب. گفتیم تا فردا صبح کلی خون ازش رفته و باید جسدش برگرده عقب.

خلاصه حرکت کردیم تا رسیدیم پیش آمبولانس و حاج حبیب را گذاشتیم توی آمبولانس و آوردیم بهداری دهلران که حاج حبیب اعزام شد به ماهشهر یا جندی شاپور. ما هم توی چادر بهداری خوابیدیم و فردا ظهر حرکت کردیم سمت گردان که توی راه حاج قربان قندهاری خبر حاج حبیب را گرفت که من گفتم مجروح شد و بردیمش عقب.

عملیات والفجر ۶ بود، سال ۱۳۶۲ بین دهلران و مهران، شب عملیات ما گروهان پشتیبانی از گردان علی بن ابی طالب بودیم. ساعت ۱۲ بیسیم زدند که ما نخود (فشنگ) نیاز داریم. ما مهمات ریختیم توی کوله پشتی و حرکت کردیم. به ما گفته بودند که منور بنزید تا راهنمایی کنیم کدام طرف باید بیایید. فرمانده گروهان تیر منور که زد از سه طرف به ما حمله شد. بیسیم زدیم و گفتیم از سه طرف به ما حمله شده! چکار کنیم؟ گفتند شما از همون راه برگردید.

دوباره فردا حدود ۱۱ - ۱۲ ظهر سازماندهی شدیم که من افتادم با حاج حبیب خدا بیامرز. حدود ۲ ساعت توی مسیر بود نزدیک رود چیات بودیم که حاج حبیب تیر خورد. کنار رودخانه حاج حسن علیپور - دکتر ابوالحسن مازندرانی و حاج محمود محمدزاده بودند من صدا زدم، دکتر ابوالحسن متوجه شد و آمد سمت ما. با گاز استرلی که داشتیم جای تیر را





تماویری از وداع پر
شور مردم روستای
محمدآباد و شهر
گرگان با شهید
حاج حبیب حمزه ای

عکس: علی خورشیدکلایی



نقدی بر بیست و پنجمین یادواره شهدای روستای محمدآباد

محمد حمزه ای

این قسمت به مراسم امسال پردازیم باید به چند نکته اشاره کنیم که به نظر بنده به علت حجم وسیع کار و مشکلات فراوان و تغییر زمان اجرای مراسم در ۲ مرحله شاید دور از انتظار نبود. در ابتدا به نظر بنده شاید برگزار کنندگان به علت زمان انجام آن در وسط هفته انتظار حضور این همه جمعیت را نداشتند همانطور که بنده نیز نگران عدم استقبال مناسب مردم بودم ولی این نگرانی کاملاً بیجا بود هم چنین یک نواختی اجرای مراسم در چند سال گذشته و عدم نوآوری در هر سال نیز خسته کننده و نوعی تکرار در آن دیده میشود. در این رابطه می توان با تشکیل کار گروه از هم اکنون نظر و پیشنهاد اهل فن این مشکل را رفع کرد. با توجه به این مقدمه با عرض پوزش از برگزار کنندگان مراسم به چند نکته اشاره خواهیم کرد به امید آن که در سال های آینده با همدلی و هم اندیشی این مشکلات برطرف گردد.

۱- یکی از مهم ترین اشکالاتی که در چند سال برگزاری مراسم به چشم می آید نبود تشکیلاتی قوی و برنامه ریزی شده و تقسیم کار بوده است. هر چند دو یا سه سالی است که ستاد یادواره تلاش می کند با یک برنامه ریزی منسجم و تشکیلاتی کارها را انجام دهد اما تا کنون با مشکلات بسیاری روبرو گردیده است و این مشکل ویژه محمد آباد و ستاد یادواره نمی باشد چرا که ایرانی ها هنوز هم در انجام کارهای گروهی و بر اساس تشکیلات مشکل دارند و در انجام کار بر اساس نظرات شخصی و یا به نوعی هیئتی کار را انجام می دهند که در مرحله اجرای برنامه های امسال به هر دلیل موجه یا غیر موجه این مشکل نمود داشته است البته نباید از حق گذشت که به نسبت سال های پیش حرکت رو به جلو و قابل توجهی بویژه در بخش سخت افزاری و کار عملی یادواره قابل مشاهده می باشد ولی در بحث نظریه پردازی و تصمیم گیری هنوز مشکلاتی وجود دارد.

۲- سردرگمی و درگیری های ذهنی مسئولین برگزاری مراسم و تشتت آرا در زمینه مسائل تبلیغی و فرهنگی و مراکز متعدد تصمیم گیری فردی و جمعی در این زمینه که اشخاص و نهاد های مختلف تا دقایق آخر به یک نتیجه واحد نرسیده بودند و همین امر باعث کاهش کیفی کارهای انجام شده بوده است. ۳- عدم هماهنگی در بحث پذیری از میهمانان

نویسد غلط نخواهد داشت حتماً این مراسم طی بیست و اندی سال برگزاری با نواقصی همراه بوده است. در این قسمت سخن بنده به چند نکته مثبت اجرای این مراسم و تجربیات اندوخته شده خواهم پرداخت. همانطور که در بالا گفته شد همراهی و همدلی مردم در اجرای این مراسم، مهم ترین ویژگی آن بوده است و همچنین استقبال شایان و فراوان مردم منطقه نیز نشان دیگری از موفقیت بوده است که در بیرون روستا نیز نمود خود را نشان داده است. از دیگر امتیازات این مراسم که چند سالی است به چشم می آید حضور خود جوش و پر تلاش جوانان کم ادعای محمد آباد است که همگی شاهد هستیم که چگونه در روزهای نزدیک برگزاری مراسم با کمترین چشم داشتی شبانه روز تلاش می کنند و از جان مایه می گذارند و این به نظر بنده میسر نیست مگر با احساس قلبی نسبت به فداکاران و شهدایمان. این توان و پتانسیل نباید از چشمان برگزار کنندگان مراسم پنهان بماند و بسیاری موارد دیگر که پیشتر از این به آنها پرداخته شده است. اما همانطور که گفته شد حتماً در اجرای این مراسم نواقص و ایراداتی نیز مشاهده می شود. باید یادآور شد چگونه پرداختن به این نواقص خود نیز مساله ای مهم می باشد منتقدان عزیز این مراسم باید در ابتدا نیت خالص خود را اثبات کنند و سپس به انتقاد بپردازند همچنین برگزار کنندگان مراسم که همه می دانند سختی و رنج بسیاری را تحمل کرده اند باید سعه صدر داشته و با روی باز پذیرای انتقاد منصفانه و قابل قبول باشند و اگر این دو گروه هر کدام با انصاف و وجدان، کار خود را انجام دهند حتماً و حتماً در آینده شاهد برگزاری مراسم بهتر و شایسته تری برای شهدای عزیز مان خواهیم بود اگر در

در حدود بیست و پنج سال است که محمد آباد یادواره شهدای گرانقدر را برگزار می کند. یادواره ای که به گفته بسیاری از آشنایان درون و بیرون شهر گرگان، نه تنها در سطح شهرستان بلکه در سطح استان بی نظیر یا کم نظیر برگزار می گردد. مراسمی ارزشمند و گران سنگ که از جهات گوناگون چون یکپارچگی مردم در اجرای مراسم سخنرانان توانمند کشوری و لشکری، مکان بزرگ و مناسب و پذیرایی شایسته ... در طول نزدیک به سه دهه برگزاری آن را در منطقه شاخص کرده است و همه این موارد میسر نمی شود مگر با همدلی و یکپارچگی اهالی محترم روستای محمد آباد. در صف اول برگزار کنندگان آن خانواده های محترم شهدای بزرگوار هستند

که صاحب اصلی این مراسم بوده و هستند و با تمامی امکانات و توانمندی خود همراه همیشگی این یادواره بوده اند با این تفاسیر نگارنده این مطلب بر این باور است که باید با نگاهی جدید مسائل و مشکلات این مراسم بزرگ را بررسی کرد.

تا هم نگاه مثبت آن را تقویت کرده و هم نارسایی ها و مشکلات و معایبی که حتماً در اجرای این گونه مراسم با آن برخورد خواهیم کرد را از بین برده و یا کمتر کنیم. بر اساس تجربه هر چه از زمان انجام کاری بگذرد و آن کار تکرار شود نارسایی و عیوب آن بیشتر مشخص می شود و تجربه برگزار کنندگان و انجام دهندگان آن کار بیشتر می شود بنابراین انتظار می رود که روز بروز و یا مرحله به مرحله آن کار بهتر و بهتر برگزار شود. تجربه بیست و اندی ساله برگزاری این مراسم نیز نشان دهنده ی این امر می باشد و بر کسی پوشیده نیست که محمد آبادی ها در انجام این مراسم تا کنون نیز موفق بوده اند اما بر اساس مثل معروف که تا کسی املا

سردرگمی و درگیری های ذهنی مسئولین برگزاری مراسم و تشتت آرا در زمینه مسائل تبلیغی و فرهنگی و مراکز متعدد تصمیم گیری فردی و جمعی در این زمینه که اشخاص و نهاد های مختلف تا دقایق آخر به یک نتیجه واحد نرسیده بودند و همین امر باعث کاهش کیفی کارهای انجام شده بوده است

که امسال بر خلاف سال های قبل که خیلی منظم و مرتب انجام می گرفت. در سالهای پیش مشاهده می گردید افرادی که به عنوان میزبان و یا پذیرایی کننده بود لباس یا پوششی یکسان داشته و با نظارت فرد یا افرادی مشغول انجام کار خود بودند و همه چیز به موقع و درست انجام می گرفت و حداقل این مسئله از توانایی های منحصر به فرد محمد آبادی بود که حتی در مراسمات بزرگ گرگان مانند مراسم نمایندگان شهید نیز محمد آبادی ها پذیرایی را به نحو احسن انجام می دادند اما امسال پذیرایی جالب نبود و بسیاری از میهمانان پذیرایی نشده مراسم را ترک کردند که این مقوله جای بحث و گفتگو دارد و باید بررسی گردد تا در آینده تکرار نگردد.

۴- از دیگر مواردی که می توان نسبت به

برگزاری مراسم ایراد گرفت این است که فقط به فضای درونی سالن پرداخته می شود و در بیرون سالن هیچ گونه تبلیغات و یا برنامه ای برگزار نمی گردد. باید در هر فضای بیرون سالن نیز شهیدان در نظر گرفته شود تا میهمانان در هنگام ورود به مکان برگزاری حس و حال معنوی فضای جبهه و جنگ و خاطره های شهدا را به یاد آورند در صورت امکان می توان از عکس ها و وسایل و هر چیز دیگری که از شهدا به یادگاری مانده است نمایشگاهی ترتیب داد و یا با ایجاد ماکتی از مناطق عملیاتی و... در فضای بیرونی سالن و یا در کنار خیابان اصلی این فضا را ایجاد کرد.

۵- نکته حائز اهمیت دیگری که باید به آن پردازیم بحث مجری و قاری قرآن و.. می

باشد که استفاده از مجری غریبه و قاری مخالفان و موافقانی دارد. بنده نمی خواهم خود را موافق و یا مخالف این طرح بدانم اما سوال من از مخالفان استفاده از مجری و قاری غریبه این است که آیا تا به حال به فکر پرورش فرد یا افرادی از اهالی روستا بوده ایم که بتواند این کار را انجام دهند؟ با توجه به این سوال که در سال های اولیه مجری و قاری از خود اهالی بوده است. آیا اندیشیده ایم که جانشینی مناسب برای آنان داشته باشیم و یا پرورش دهیم ایراد کارها اینجاست نه این که امسال چه کسی مجری باشد یا قاری قرآن باشد باید از الان به فکر چاره بود تا در آینده با مشکل بر نخوریم.

زحمت کشان پنهان

علی خورشیدکلایی

جوانان را دریابیم

ابوالقاسم سالاری

برگزاری مراسمی چون یادواره شهداء نقش بسزایی در شناساندن شهداء و آرمانهایشان به نسل جوان دارد. اگر کمی دقت کنیم خواهیم دید که اکثر کار و زحمت اینگونه مراسمات بر دوش جوانان است و بی ریا و بدون هیچ چشمداشتی تمام تلاش خود را برای بهتر برگزار شدن آن انجام می دهند ولی معمولاً کمتر دیده می شوند و توجهی به آنها نمی شود. جوانان ما هر جا لازم باشد به بهترین شکل ممکن به کمک مسئولان و بزرگان روستا می آیند و با تمام وجود و با جان دل کارهایی که به آنها محول می شود را انجام می دهند. می شود گفت ما بهترین جوانان را داریم و تنها مشکل آنها فقط و فقط بحث اشتغال و بیکاری این عزیزان است. خلاصه مطلب اینکه وقتی در همه زمینه ها جوانان ما پای کار هستند و تلاش می کنند پر بیراه نیست که مسئولین و همه کسانی که از اهالی روستای خودمان دستی بر آتش دارند و یا در ادارات و نهادهای دولتی و غیر دولتی صاحب جایگاهی هستند، شرایطی را فراهم آورند تا زمینه اشتغال جوانان فراهم و بیکاری در روستا ریشه کن شود.

حراست و حفاظت و نگهداری هستند (یکی شون می گفت من تا حالا هنگام برگزاری مراسم نبودم چون هر سال تو سطح روستا در حال گشت زنی و نگهداری هستم). عزیزانی که در بیرون از سالن و محل پارکینگ مشغول کمک کردن هستند. آشپزها و عوامل آشپزی هم که از صبح مشغول پخت و پز هستند و تا نیم ساعت قبل از مراسم هم مشغول بسته بندی و آماده سازی غذا. یکی از کارهایی که امسال تصمیم به انجام اون گرفتم به تصویر کشیدن همین زحمت ها و کارهایی بود که کمتر دیده میشه. البته توی نشریه چندان فضایی برای نشان دادن این زحمت نبود ولی امیدوارم همین چند خط خدا قوتی باشه به همه این عزیزان.

شاید برای خیلی از ماها مراسم یادواره همان چند ساعتی است که مراسم برگزار میشه و بعدش تمام. خیلی هامون خیلی شیک و رسمی کت و شلوار به تن موقع مراسم میایم و بعد مراسم هم عکس یادگاری مون رو میگیریم و پُزشو به همکارا و دوست و آشنا می دیم که ما ی همچین مراسم میگیریم. اما در برگزاری این مراسم خیلی ها هستند که شاید اصلن به چشم نیان و دیده نشن و البته تمایلی هم به دیده شدن ندارن. افرادی که از چند روز قبل از مراسم درگیرن آماده کردن سالن واس مراسم هستن و بعد از مراسم که خبری از کسی نیست زحمت جمع آوری و نظافت سالن بر عهده همین چند نفره. یا عزیزانی که هنگام برگزاری مراسم در سطح روستا مشغول



گفت و گو با یک رزمنده

گفتم اگه شهید شدم فقط جسد من رو بیارین عقب

دفاع مقدس قسمتی از تاریخ این سرزمین است که هر چقدر در مورد آن صحبت شود باز هم کم است و هر رزمنده کتابی است گویا که حرف ها و گفتنی های فراوان دارد. در این شماره نیز سید عبدالله

طرفی تدارکات ما کم بود و نمی توانستیم از داخل آب به ما تدارکات برسانند. بی سیم زدیم به توپخانه که اینا دارند ما رو با تانک مجبور به عقب نشینی میکنند و گفتیم که با توپخانه بزنشون ولی اشتباه گرا دادن و تقریباً زدن بین بچه های خودی که بی سیم زدیم که متوقفش کنن. بعد در حین درگیری ی جایی بود که داخل یک سنگری آریچی بود من به بچه ها گفتم من میرم میارم ولی به شرطی که اگه من شهید شدم فقط جسد من رو بیارین عقب و نزارین من بمانم اینجا (خنده). همین و دیگه هیچی نمیخوام. رفتم و چندن تایی آریچی آوردم و خدا یاری کرد و چیزیم نشد و با آریچی زدیم تانک ها رو عقب راندیم.

یک نکته ای که فراموش کردم بگم این بود که همون اول که رفتیم یک سری چریک های عراقی رو اسیر کردیم. ما از روبرو و بچه های اصفهان از پشت سر اینها آمدن و اینها رو محاصره و اسیر کردیم. این گذشت و ما همونجا بودیم ولی یک مشکلی که داشتیم این بود که آب واس خوردن نداشتیم. من دیدم یک چاه عراقی ها داشتن که معلوم نبود واس چی هست. خلاصه بچه ها رو به خط کردیم و فانسقه ها رو باز کردیم و کلاه آهنی رو با فانسقه فرستادیم تو چاه و آب کشیدیم و خوردیم. و حالا معلوم نبود اون آب چی بود ولی خب از شدت تشنگی مجبور بودیم.

تو این عملیات کسی از بچه ها شهید شد؟

شهید که شدند ولی از گروهان ما نبودن. ولی یک خاطره جالب یادم آدم که خالی از لطف نیست. خدایا بمرز شهید رضا (اتراچالی) می گفت من از مرده می ترسم و تا حالا ندیدم. من به شوخی گفتم الان یکی از ماها رو بالاخره می زنن و اونوقت می بینی. به دو دقیقه نشد یکی از بچه ها رفت اونور خاکریز که خمپاره بهش خورد و شهید شد. من به رضا گفتم بدو بیا اینم مرده که میخواستی ببینی.

بودن کارت دادن و خدمت ما هم تمام شد. بعد از انقلاب جنگ گنبد پیش آمد که من بصورت افتخاری رفتم واسه جنگ گنبد

دفاع مقدس

حقیقتش یک بار من رفتم بسیج (شصت کلا) واس اعزام، اون زمان فرمانده بسیج هاشم مهیمنی بود. نمی دانم چطوری شد که به ما اجازه ندادن بریم جنگ. من و یک نفر دیگه رو نداشتن بریم، تا اینکه دوباره سال ۱۳۶۰

دوباره رفتیم. عملیات

بیت المقدس بود

، از محمدآباد

بچه ها

زیاد بودیم.

شهید رضا

اتراچالی

شهید

غلامحسین

رضا پور

که این دو

نفر بقول

خودمانی رفیق

جان در جانی

من بودند. پادگان

امام حسن تهران، از

تهران با قطار رفتیم اهواز،

پشت پادگان حمید(حمیدیه)، ی جایی بود

به نام دب حردان که اطرافش همه آب

بود. ما تو اون عملیات ی بیست کیلومتری

پیاده رفتیم تا رسیدیم به محلی که فاصله

بین ما و عراقی ها ۸۰ متر بود. در واقع ما

نیروهایی بودیم که از داخل آب رفته بودیم

و رو در روی دشمن قرار داشتیم و قرار یک

سری از نیروها از پشت نفوذ کنند و عراقی

ها رو تحت فشار بزاریم. یک جایی بود

ی مسیری تقریباً به طول ۱۰۰ متر و عرض

۴۰ سانت که مسیر تخته کوبی شده بود و

باید روی این تخته ۴۰ سانتی می دویدی

و گرنه زده بودنت و تیر می خوردی.

درگیری شد و اونا با تانک بودن و ما با

تفنگ. می خواستن ما رو عقب برانند. از

دوران سربازی

سال ۱۳۵۵ رفتم خدمت سربازی، تو ارتش گروهان بودم. آموزشی خرم آباد بود. خیلی دوست داشتم برم هواپرد ولی نشد. بعد از آموزشی از بین ۲۰۰۰ نفر نیرو ۴۰ نفر رو انتخاب کردن و گفتن چون شماها ریاضی تان خوبه باید برید نقشه برداری و نقشه بردار بشید. بعدش رفتیم دوره نقشه برداری رو دیدیم و شدیم نقشه بردار توپخانه. اونجا هم

بخاطر اینکه من

خیلی خوب

و سریع

مختصات

رو

بدست

می

آوردم

تشویقی

گرفتم

و واسه

همه سوال

بود که تو

چطور اینقدر سریع

مختصات رو بدست

میری، چون من مثلاً تم خیلی خوب

بود و همیشه نمره عالی گرفتم بطوری که

حتی نمره ۱۹/۷۵ هم نداشتم.

بعد من رو فرستادن لشکر ۷۷ خراسان که

بهترین یگان ایران بود در زمان خودش.

بعدش رفتیم مشهد و شدم نقشه بردار

توپخانه ۳۱۵ مشهد. اونجا بودیم تا تقریباً

یکماه مانده به پیروزی انقلاب که فرار

کردم و آمدم خانه. گفتن چرا آمدی گفتم

مرخصی آمدم و بودیم تا انقلاب پیروز

شد.

بعد از پیروزی انقلاب امام گفت سربازهایی

که فرار کردن دوباره برگردن به پادگان

ها و ما هم دوباره رفتیم خدمت و بعد

ی مدت به اونایی که ۱۸ ماه خدمت کرده

خاطره

متوجه نشده بودم. اونجا دیگه نتونستم بلند شم. البته قبل تر ها کشتی گرفته بودم و پام ی خورده ضربه خورده بود ولی نمیدانم اونجا تو رفت و آمد و درگیری و .. کجا در رفته بود. خلاصه ما رو سوار آمبولانس کردن و گفتن باید ببری تهران. یک ۱۰-۱۵ روزی تهران بودم و باز اونجام هم نتونستن جا بندازن و میخاستن عمل کنن که نداشتیم و مانع شدم. گفتم من یک نفر رو میشناسم که اون درستش می کنه. بسپارینش به خودم. پدر بزرگم خودش شکسته بند بود و کارش همین بود. آمدم خانه و بعد چند روز جا انداخت و بعد یک مدت خوب شد.



وقتی داشتیم بر می گشتیم همون جایی که گفتم تخته بود و باید میدویدی تا رد بشی من و یکی دوتا دیگه از بچه چون به لحاظ سنی بزرگتر بودیم بچه ها رو جمع کردیم. سید مصطفی حسینی (ولی الله) جلو رفت و بچه ها دنبالش من و شهید رضا (اتراچالی) هم پشت سر بچه ها حرکت کردیم. شهید رضا وقتی داشت روی تخته می دوید آخرای مسیر یک مرتبه دیدم رضا یک پاش افتاده توی آب. توی آب هم می افتادی دیگه در بیا نبودی. من سریع برگشتم دیدم تیر گرفته توی شکمش. گفتم رضا نترس به قلبت نخورده اگه خورده بود تا حالا مرده بودی. یکم بهش روحیه دادم و کشیدمش آوردمش بالا و سپردمش به بچه ها. لنگ لنگان یکم رفت و بردنش عقب.

بعد من دوباره برگشتم تو مسیری که می آمدم دلواپس بودم که نکنه کسی از بچه های ما جا مانده باشه. رفتم دیدم یکی از بچه ها بیحال افتاده رو زمین. گفتم بلند شو بریم اینجا بمانی دیگه نمیتانی برگردی. خلاصه آمدم عقب. اونجا از شدت خستگی و تشنگی و گرسنگی چون چیزی به بچه ها نرسیده بود همه بیحال بودیم و نا نداشتیم. من خودم شاید ۱۰ لیتر آب رو خوردم. بعد غذا آوردن و خوردیم و در همین مابین من نمی دانم کجا پام در رفته بود و

یاد باد آن روز گاران یاد باد

یک عکس



ایستاده از راست :

تقی شاهکومحلی،
اسماعیل رضایی،
اسدالله مازندرانی،
موسی اکبرپور، علی
خیبلی

نشسته از راست:

محمد مازندرانی،
محمدعلی شاکری،

.....

مهد کبدی؛ قهرمان کشور

ابوالقاسم سالاری

فعالیت می باشد و در همه ی این سالها بخاطر وجود افرادی دلسوز که در رأس این رشته فعالیت می کند توانسته اند راه پیشرفت را برای جوانان مهیا کنند و مسیر را برایشان روشن سازند.

ازین رو با تلاش و پشتکار جوانان روستا و حمایت مردم عزیز و مسئولان روستا توانسته ایم برای اولین بار در تاریخ ورزش کشور به این مهم دست پیدا کنیم که برای دوبرار بعنوان یک تیم ورزش روستایی مقام قهرمانی لیگ برتر کبدی کشور را بدست آوردیم یک بار در سال ۸۸ و پس از ۸ سال دوباره در سال ۹۶ این عنوان را تکرار کنیم.

در اینجا باید خاطرنشان کنیم که هر وقت حمایت مردم و مسئولین و بزرگان روستا بخصوص اعضای محترم شورای اسلامی، دهیار محترم را داشته ایم و این عزیزان از تیم خود حمایت کردند و توانستیم موفقیتهای بزرگی برای مردم عزیزمان در زمینه ورزشی کسب کنیم. امید آن داریم که در ادامه با حمایتهای همه جانبه این عزیزان از جوانان در سالهای آینده تداوم این قهرمانی ها و افتخار آفرینی ها را داشته باشیم.

در پایان جا دارد از تمامی کسانی که در کسب این موفقیتها در طول سالهای گذشته نقش داشته اند صمیمانه تشکر می کنیم. اولاً از مردم ورزش دوست روستا اعضا محترم شورای اسلامی چه در این دوره و چه دوره های گذشته، دهیار محترم و جناب آقای حاج عیسی اترچالی، ریاست اسبق فدراسیون کبدی جناب آقای محمدرضا مقصودلو، هیئت کبدی استان و شهرستان و در آخر همه پیشکسوتان و ورزشکاران رشته کبدی در روستا کمال تشکر و قدردانی را داشته باشیم.

قهرمانی و قرار گرفتن در سکوی نخست در هر زمینه ای بخصوص ورزش تیمی و گروهی نیاز به مدیریت قوی و کارآمد در کنار تامین هزینه های مالی می باشد. تجربه نشان داده هریک از این دو نخواهند توانست به تنهایی ضامن رسیدن به سر منزل مقصود باشند، بلکه باید در زمان مناسب با استفاده از مدیران کارآمد با تامین هزینه های مالی، نتیجه مطلوب حاصل شود.

مهارت های گروهی و آماده شدن افراد برای زندگی اجتماعی است.

نفرات در فرآیند آموزش فنی می آموزند، راه پیشرفت تیم کمک به تک تک افراد جهت بهتر شدن است. در اینجا جا دارد تاملی داشته باشیم در کسب موفقیت های ورزشی که توسط جوانان روستا بدست آمده شاید با توجه به فضای مناسبی بوجود آمده تا در سطح کلان روستا هم تجربه کار تیمی فارغ از هر اندیشه مذهبی و یا گرایش سیاسی انجام شود و همه دست به دست

هم دهیم و محیطی امن و آرام برای رشد و بالندگی فرزندانمان فراهم آوریم.

شاید بتوان در این زمینه از ضرب المثل ژاپنی ها کمک گرفت که می گویند: اگر می خواهی جای ریست رو بگیری، بهش کمک کن یک پله بالاتر بره.

موضوعی که به شدت جایش در فضای عمومی و سیاسی روستا خالی است و قالباً تعصبات کور و قبیله ای و سیاسی راه پیشرفت و بالندگی را بر نسل جوان روستا بسته و از جوانان سرشار از انرژی کمترین بهره را بردیم. یکی از رشته های موفق که توانسته تعداد زیادی از نوجوانان و جوانان روستا را به سمت ورزش سوق دهد، رشته کبدی است. همانگونه که مطلعید رشته کبدی نزدیک به دو دهه است که در روستای ما در حال

همیشه در پس موفقیتها، تلاش و کار بسیار نهفته که شاید در نگاه اول دیده نشود و وقتی عنوانی کسب می شود تصور بر این باشد که این اتفاق به آسانی رخ داده است. در حالی که واقعیت چیز دیگری است و برای رسیدن به اهداف بزرگ وقت و هزینه زیادی باید صرف شد و برای بدست آوردن عناوین و کسب افتخار تلاش مداوم و مدیریت صحیح لازم است.

موضوعی

که به شدت جایش

در فضای عمومی و سیاسی روستا خالی است و قالباً تعصبات کور و قبیله ای و سیاسی راه پیشرفت و بالندگی را بر نسل جوان روستا بسته و از جوانان سرشار از انرژی کمترین بهره را بردیم

ورزش قهرمانی یکی از مواردی است که افراد برای رسیدن به درجات بالا باید زیر نظر مربیان و اساتید مجرب تلاش بسیاری انجام داده تا بتوانند به سکوی قهرمانی دست پیدا کنند؛ قهرمانی و قرار گرفتن

در سکوی نخست در هر زمینه ای بخصوص ورزش تیمی و گروهی نیاز به مدیریت قوی و کارآمد در کنار تامین هزینه های مالی می باشد.

تجربه نشان داده هریک از این دو نخواهند توانست به تنهایی ضامن رسیدن به سر منزل مقصود باشند، بلکه باید در زمان مناسب با استفاده از مدیران کارآمد با تامین هزینه های مالی، نتیجه مطلوب حاصل شود. ورزش های تیمی راهی برای آموزش



خواستن توانستن است

علی خورشید کلایی، سید ابوطالب حسینی، محسن حمزه ای

در این شماره سراغ یکی دیگر از جوانان روستا رفتیم که با اراده و پشتکار و تلاش خود توانست هم گلیم خودش را از آب بکشد و هم زمینه اشتغال چندین نفر دیگر را نیز فراهم آورد. گفت و گوی ما با جعفر اسماعیل پور را بخوانید.

بعد از ۷-۸ سال شراکت و در سال ۱۳۹۱ بنده از شرکا جدا شدم و استارت مغازه خودم را زدم و شخصا کار برای خودم را شروع کردم.

■ چند نفر از بستگان تان در مغازه شما کار می کنند؟

۴ نفر از بستگانم هستند و بقیه هم تقریباً آشنا هستند.

■ باز هم قصد گسترش کار را دارید؟

و... من خسته شدم ازین شغل و جلوتر که برم کار را به محمد (برادر زاده ام) و بقیه واگذار می کنم. گاهی که فکر میکنم، می بینم رمقی برای کار ندارم، ما خیلی برای کار مردم وقت گذاشتیم و برای کار خودم نایی ندارم.

■ سرمایه ای که الان دارید چقدر است؟

من شکر خدا انقدری سرمایه دارم که اگر همین الان کار را متوقف کنم، تا آخر عمر خودم و خانواده ام تامین هستیم. من از صفر شروع کردم و الان به جایی رسیدم که هرکاری، هرچیزی و هر اقدامی بخواهم انجام بدم، از نظر مالی توانش را دارم.

■ خاطره ای جالبی از این سالها اگر دارید بفرمایید.

یک روز پمپ گاز کنار دادگستری خراب شد و از من خواستند که این پمپ را درست کنم. یکی از شرکای جایگاه مخالفت کرد و گفت من باید این دستگاه را ببرم تهران. وقتی من دستگاه را دیدم، گفتم شما موفق نمی شوید این دستگاه را به تهران ببرید. قبول نکردند و من برگشتم. در حال برگشت بودم که تلفنم زنگ خورد و خواستند که برگردم. از من پرسیدند شما چه چیزی دیدید که این حرف را زدید؟ گفتم من از روی تجربه و علمی که دارم متوجه شدم فشار روی یاتاقان دستگاه شما کمتر تنظیم شده و گفتند که ایرادش را بگیرم. من طبق تجربه ای که داشتم یاتاقان موتور دومن را برداشتم و تا ساعت ۲ شب مشغول درست کردن دستگاه بودیم و تحویل دادیم که در اصل این کار را باید یک مهندس اتریشی انجام می داد که شکر خدا ما این کار را انجام دادیم و یاتاقان درست کار کرد.

می رفتم و ماشین را ول می کردم و می رفتم سمت جرجان. که بعدا پدروم یک دوچرخه برای من تهیه کرد که با دوچرخه رفت و آمد می کردم؛ وقتی میخواستم از سرکار برگردم ساعت ۹ شب، هوا تاریک بود که گاهی سگ ها دنبالم می کردند ولی چون از نظر مالی شرایط خوبی نداشتیم مجبور بودم ولی همت کردم و همین باعث شد امروز به اینجا برسم.

■ اولین جایی که کار کردی کجا بود؟

من در کارگاه میلنگ تراشی گرگان مکانیک کار می کردم که حدود ۱۰-۱۲ نفر شاگرد بودیم و من ۵ سال اول کار را پادویی کردن و کنار استادکار ایستادن، بعد از ۵ سال رفتم پشت دستگاه. اون زمان توی گرگان فقط ۲ تا میلنگ تراشی بود ولی الان بیشتر از ۳۰ تا میلنگ تراشی هست.

■ چه چیزی باعث شد بعد از چند سال تصمیم گرفتید مغازه جدا تاسیس کنید؟

در سال ۱۳۸۳ همراه با دونفر از همکارهام به این نتیجه رسیدیم که کار در گرگان مکانیک کفاف زندگی ما را ن داده و احساس کردیم علمی در ما نهفته شده که میتوانیم از آن استفاده کنیم و مغازه جدید تاسیس کردیم. یک روز حاج سعدا... مکتبی آمد مغازه ی ما و به من گفت: چرا این کار را خودت انجام نمیدی؟ من گفتم حقیقت از نظر سرمایه ضعیف هستم. آقای مکتبی به من گفت شما بیا، من به شما وام میدهم. اولین وامی که که آقای مکتبی به من داد ۲۰ میلیون تومان بود و با ۱۵ میلیونی که خودمان داشتیم، روی هم گذاشته و ۳ تا دستگاه خریدیم. با این ۳ دستگاه شروع کردیم و یواش یواش کار را گسترش دادیم. که

■ شغل اصلی شما چیست؟

شغل من میلنگ تراشی است.

■ از چه سالی مشغول به کار شدید؟

از سال ۱۳۸۴ بنده مشغول به این کار شدم و با بالغ بر ۲۰ سال شاگردی کردم و بعد از ۲۰ سال با کمک هم محلی مان، حاج محمد مکتبی وام گرفتیم و جداگانه مشغول به این کار شدم.

■ یعنی مغازه گرفتید؟

مغازه نگرفتم. با دونفر شراکت داشتیم و به مرور زمان دستگاه گرفتیم و وقتی دیدم اطرافم خیلی بیکار هست، بعد از ۸ سال از شریک ها جدا شدم و این افراد را پیش خودم مشغول به کار کردم.

■ الان چند نفر پیش شما مشغول به کار هستند؟

الان ۸ نفر همکاریم که بیشتر اطرافیان خودم هستند که مشغول به کار شدند.

■ مغازه ی فعلی برای خودتان است؟

بله، مغازه و تمام دستگاه برای خودم هستند.

■ سختی هایی که اول کار داشتید چی بود؟

خب اوایل خیلی سختی داشتیم. من سال ۱۳۸۴ ماهیانه ۴۰۰ تومان (۴۰۰ تا تک تومانی) حقوق می گرفتم که با این ۴۰۰ تومان کرایه میدادم، پول ناهار میدادم، البته ناهار که از خانه می بردیم و بعضی اوقات چون ماشین زیاد نبود، شب از گرگان تا محمدآباد پیاده می آمدم تا اینکه یک دوچرخه گرفتم و با دوچرخه رفت و آمد کردم. سختی های کار اینها بود ولی خیلی سخت بود که بدون پشتوانه، بدون حمایت مالی و اینکه خودت بخواهی در لحظه تصمیم بگیری تا فقر را از خانواده ت بیرون کنی، این عزم کردن جزم و آستین بالا زدن و از صفر شروع کردن و رسیدن به این درجه سخت تر است.

■ سالهای اول با کمبود امکانات، چطور تا سرکار می رفتید؟

اون زمان کرایه چیزی حدود ۱ تومان بود، ولی من این مسیر رو پیاده رفت و آمد می کردم، بیشتر موقع ها میامدم کنار سرعتگیر خیابان اصلی می ایستادم و زمانی که وانت های باری رد می شدند، پشت وانت را گرفته و تا چهارراه کمربندی (میدان ترمینال فعلی)



غزلی از سعدی

«باد صبح نوروز»

برخیز که می رود زمستان

بگشای در سرای و بستان

نارنج و بنفشه بر طبق نه

منقل بگذار در شبستان

وین پرده بگوی تا به یکبار

زحمت ببرد ز پیش ایوان

برخیز که باد صبح نوروز

در باغچه می کند گل افشان

خاموشی بلبلان مشتاق

در موسم گل ندارد امکان

بوی گل بامداد نوروز

و آواز خوش هزار دستان

بس جامه فروختست و دستار

بس خانه که سوختست و دکان

ما را که سر دوست بر کنارست

آنک سر دشمنان و سندان

چشمی که به دوست بر کند دوست

بر هم نهد ز تیرباران

سعدی چو به میوه می رسد دست

سهل است جفای بوستانیان

□.....□

عسل درمانی

برای تقویت عمومی بدن و سالم تر نگهداشتن قلب و غروق خود می توانید روزانه یک قاشق غذاخوری عسل را در یک لیوان آب سرد حل کنید و شربت عسل مذکور را نوش جان کنید.

خواص اسفناج

اسفناج خواص دارویی بسیاری دارد که از آن جمله می توان کاهش کلسترول خون را نام برد. برگ اسفناج منبع غنی ویتامین A-B-C و پتاسیم است. این گیاه موجب هضم سریع غذا می شود و برای کاهش وزن مناسب است. این سبزی مفید در پیشگیری از سرطان روده بزرگ، معده، پروستات، حنجره و رحم موثر است. ترشحات لوزه المعده را زیاد می کند و برای تقویت اعصاب بسیار مناسب است.

دیگر چه اهمیتی دارد که چرا غذای اضافی مانده است.

خانم پیر سپس موبایلش را برداشت و زنگ زد و شخصی با یونیفورم از سازمان امنیت اجتماعی وارد شد. بعد از اینکه موضوع را فهمید، ۵۰ یورو جریمه شدیم.

افسر به ما گفت: آن مقدار که می توانی مصرف بکنی را باید سفارش دهی، پول مال تو است ولی منابع مملکت متعلق به جامعه است.

حال می فهمم که چرا آلمان صنعتی ترین و پیشرفته ترین کشوره قاره اروپاست.



به اندازه مصرف کنیم

شخصی تعریف می کرد وقتی که به شهر هامبورگ آلمان رفتیم، همکلاسی های دانشگاهمان ما را به رستورانی بردند. زوج جوانی داشتند غذا می خوردند که فقط دو بشقاب و دو عدد نوشیدنی روی میزشان بود. تعجب کردم که آیا چنین غذایی می تواند برای یک دیدار رمانتیک مناسب باشد. در میز دیگر چند خانم مسن نشسته بودند و پیشخدمت به مقدار کمی برای آنها غذا آورد و آنها سعی می کردند که هیچ غذایی باقی نگذرانند. از آنجایی که ما گرسنه بودیم همکلاسی هایمان مقدار زیادی غذا سفارش دادند بطوریکه بعد از سیر شدن یک سوم غذا هنوز روی میز بود. در حالی که درصدد ترک رستوران بودیم خانم های پیر به انگلیسی با ما صحبت می کردند و متوجه شدیم که از تلف کردن غذای زیاد ناراحت بودند.

دوستان گفت: ما پول غذا را می دهیم و

مناجات

خدایا بتو پناه می برم از نفسی که در دنیا سیری ندارد، از قلبی که خاشع نباشد و از عملی که نفع نبخشد و از نمازی که بالا نرود و از دعائی که به اجابت نرسد.

نهج البلاغه

بندگان خدا! پیش از آنکه به میزان حق سنجیده شوید خود را بسنجید، قبل از اینکه به حسابتان برسند، خود را محاسبه کنید. نفس بزنید قبل از آنکه راه نفس بسته شود و مطیع خدا گردید قبل از آنکه شما را به اجبار به سوی آخرت ببرند.

پند اخلاقی

اگر جلوی اشتباهات خود را نگیرید، آنها جلوی اشتباهات شما را خواهند گرفت.

زیان سخن چینی

دانشجویی به دیدار زاهدی رفت و از یکی از آشنایان وی سخن زشتی نقل کرد. زاهد گفت: دیر به دیدارم آمده ای و به سه گناه نیز دست زده ای.

یکی آنکه مرا نسبت به برادرم خشمگین نمودی، دوم آنکه دل آسوده مرا مشغول داشته ای، سوم آنکه خود را در معرض تهمت و سخن چینی نهاده ای.

طنز زندگی

◀ یک پیرزنه خودشو تو آینه می بینه، میگه: آینه ها هم آینه های قدیم.

◀ در یکی از شهرها سینما فیلم «شام آخر» را می گذارد، همه مردم با قابلمه توی صف وای می استن.

◀ یک قصاب میره خواستگاری، میپرسن چه کاره ای؟ میگه لوازم یدکی گوسفند می فروشم.

نون گلاچ (گلاچ)

مواد لازم:

شیر (۱ پیمانه) - آرد (۱ پیمانه) - شکر (۱ پیمانه) - خمیرمایه (۱ قاشق غذاخوری) - تخم مرغ (۳ عدد)

دستور پخت:

ابتدا تخم مرغ را داخل کاسه ریخته و شیر و خمیرمایه را به آن اضافه می کنیم و هم میزنیم و سپس شکر را به آن اضافه می کنیم و خوب هم زده تا شکر کاملاً حل شود و در آخر آرد را اضافه می کنیم، پس از مخلوط شدن آرد با تمام مواد، به مدت ۳۰ دقیقه تا ۱ ساعت مواد را در محیط گرم میگذاریم تا خوب ور بیاید و سپس شروع به سرخ کردن آنها می کنیم.



شیر دَمکَش (دَمپخت)

مواد لازم:

در پختن، دستور پخت ۷/۱ یا ۱۰/۱ می باشد. هر هشت پیمانه شیر، یک پیمانه برنج و مقداری زعفران

دستور پخت:

برنج را شسته و زعفران را با حرارت ملایم آب می کنیم، سپس شیر را داخل ظرف ریخته تا گرم شود و برنج را به آن اضافه می کنیم تا دانه های آن باز شود و بعد زعفران را به آن اضافه می کنیم و هم میزنیم تا روی آن بسته شود و سپس آن را پایین گذاشته و جا می گذاریم.



نون بابتو

مواد لازم:

شیر (۱ پیمانه) - برنج (۱ پیمانه) - شکر (۱ پیمانه)

دستور پخت:

ابتدا شکر را ریخته و سپس شیر را به آن اضافه می کنیم و هم زده تا حل شوند و در انتها برنج را اضافه کرده و روی شعله ی ملایم می گذاریم تا برنج دم پخت شود. سپس آن را داخل ظرفی ریخته و با آرد ورز می دهیم تا سفت شود. می توان آن را سرخ کرد یا داخل تنور زد.



مارمرده

مواد لازم:

کنجد (۱ پیمانه) - برنج (۱ پیمانه) - شکر (۱ پیمانه)

دستور پخت:

ابتدا کنجد را تفت داده و برنج را که قبلاً شسته ایم تا نرم شود را به کنجد اضافه می کنیم تا باهم تفت بخورند، سپس کنجد و برنج تفت خورده را داخل هاون ریخته و شروع به کوبیدن می کنیم و در آخر شکر را به مخلوط اضافه کرده و هم میزنیم. بعد از اینکه خوب هم خورد مارمرده حاضر است.

معرفی نرم افزار

مطمئناً حداقل یک نرم افزار ویرایش عکس روی گوشی همه ی ما نصب است، شاید Retrica و شاید هم B۱۱۲! ولی به جرأت باید بگویم نرم افزار PicsArt بهترین نرم افزار ویرایش عکس است. با نرم افزار PicsArt شما این امکان را دارید تا از میان ده ها افکت فوق العاده - ابزارهای چرخاندن، برش منظم، دستی و طبق اشکال مختلف - افزودن تصاویر، اشیاء دلخواه جذاب و کلیپ ارت - دوربین اختصاصی با قابلیت تنظیم نور، تنظیم کنتراست، ایجاد افکت - قاب های بسیار زیبا و شیک، در دسته بندی های منحصر به فرد به صورت دلخواه بر روی عکس هایتان اعمال کنید و رنگ و رویی تازه را به عکس هایتان ببخشید.



جنگی بزرگ آغاز شده است... هم اکنون شما به عنوان یک انسان بزرگ باید با در دست گرفتن سلاح های مختلف به نبرد با دشمنان بروید و برای رسیدن تا پیروزی ساعت ها مشغول باشید! در جنگ آزادید و آزادی عمل دارید و با در دست داشتن کشتی، جت، سواره نظام و... می توانید به هر مکانی بروید تا در نبردها بتوانید دشمنان خونخوار را از پای درآورید.

بازی Noblemen ۱۸۹۶ در قرن نوزدهم میلادی صورت می پذیرد و مخلوطی از جنگ جهانی اول، جنگ های داخلی آمریکا و یک تکه از تکنولوژی steampunk را شامل می شود! بازی دارای گیم پلی استراتژیک - سوم شخص است که تجربه ای متفاوت از بازیهای اکشن را برایتان به ارمغان می آورد. اگر از علاقه مندان به بازیهای اکشن هستید به هیچ وجه Noblemen ۱۸۹۶ را از دست ندهید؛

(این بازی برای سیستم عامل WindowsPhone منتشر نشده است.)



راه هایی برای مقابله با هک وای فای

محسن حمزه ای

اصل سیستمی است برای اتصال راحت تر میان یک دستگاه (موبایل، تبلت و...) و مودمی که کاربر به آن دسترسی دارد.

اگر دقت کنید، روی مودم دکمه کوچکی به این نام وجود دارد که با زدن آن، هر کسی که شبکه را می بیند می تواند به آن متصل شود! ممکن است فکر کنید هکر در خانه تان نیست که بتواند این دکمه را فشار دهد، پس چرا نگران باشیم؟ اما سخت در اشتباهید! با فعال بودن WPS حتی اگر دکمه آن زده نشود، هر دستگاهی که این کد را بداند می تواند به راحتی به شبکه شما متصل شود. بنابراین، در تنظیمات مودم به بخش تنظیمات WPS بروید و با برداشتن تیک موردنظر، آن را غیرفعال کنید تا جلوی اصلی ترین راه حمله هکرها را گرفته باشید.

فقط MAC Address های مخصوص هر دستگاهی که امکان اتصال به شبکه را داشته باشد، لپ تاپ، موبایل، تبلت یا... یک آدرس سخت افزاری دارد به نام MAC Address. هنگامی که دستگاه به وای فای متصل می شود، با ارسال MAC Address به مودم، یک IP دریافت می کند. **** در حالت عادی، مودم ها طوری طراحی شده اند که هر دستگاه با هر MAC Address که رمز وای فای را داشته باشد بتواند به آن متصل شود! اما بهتر است MAC Address های مخصوص را جهت اتصال به مودم معرفی کنید ****، برای انجام این کار، ابتدا باید فهرست MAC Address دستگاه هایتان را داشته باشید. (در رایانه ها و لپ تاپ ها، با استفاده از دستور «ipconfig/all» در محیط Command Prompt در مقابل عنوان Physical Address می توانید MAC Address ها را ببینید.) در دستگاه های همراه هم عموماً در تنظیمات مربوط به شبکه یا بخش اطلاعات کلی دستگاه این آدرس نوشته شده است. پس از این که فهرست MAC Address دستگاه هایتان را یادداشت کردید، در تنظیمات مودم به بخش فیلتر کردن MAC (MAC Address Filtering) بروید و در آنجا با وارد کردن این فهرست مطمئن شوید که فقط دستگاه های دلخواه شما امکان اتصال به وای فای را دارند.

تغییر پسورد پیش فرض تغییر پسورد کاربر ادمین روتر، حرکتی بدیهی است برای هر کسی که ذره ای دغدغه امنیت برای مودمش داشته باشد. درست است که تمام مودم ها از ابتدا دارای پسوردی پیش فرض برای ادمین هستند، اما فکر می کنید پسوردهای پیش فرضی که همه می دانند و فهرست شان برای مدلهای مختلف مودم در اینترنت موجود است، چقدر امنیت دارد؟

دقت کنید در عین حالی که رمز محکمی برای ادمین می گذارید، آنقدر عجیب نباشد که فراموشش کنید و دچار دردهای بعدی شوید! علاوه بر این، برخی مدلهای مودم به شما این اجازه را می دهد که برای افزایش امنیت، نام کاربری ادمین را هم به نام دلخواهتان تغییر دهید تا باز هم سطح امنیت روتر بالاتر رود.

رمز وای فای را سخت تر کنید این که برای شبکه وای فای تان رمز بگذارید، نیاز به گفتن ندارد و تقریباً همه این کار را انجام می دهند؛ اما هنگام انجام این کار، دو چیز را فراموش می کنند: حالت «قوی» رمزنگاری شبکه و بودن رمز. در تنظیمات مودم به قسمت Wireless Security بروید و در آنجا بینید رمزنگاری شبکه با WPA، روی چه حالتی تنظیم شده است! اگر این حالت WPA است که بدون معطلی آن را به WEP تغییر دهید تا حداقل خیالتان از بابت هک شدن در چند دقیقه راحت باشد! اما هنوز کار تمام نشده و حالا باید یک رمز قوی بگذارید. رمز قوی خوب به حساب می آید که این موارد در آن رعایت شده باشد: ۱- تا حد امکان طولانی باشد ۲- در آن از اعداد یا کاراکترهای خاص استفاده شده باشد ۳- اطلاعات شخصی در آن نباشد. (بعضی ها رمز شبکه را نام کوچک شان به همراه سال تولدشان می گذارند و بعد هک شد!)

غیرفعال کردن WPS امروزه هک با استفاده از WPS آنقدر فراگیر شده که به نوعی می توان آن را در پشتی مودم برای ورود هکرها دانست! WPS در

توری پلیسه (آکاردئونی)

متری ۸۵/۰۰۰ تومان

قابل نصب روی انواع درب و پنجره
آلومینیومی - چوبی - آهنی و ...

روبروی آفتاب ۱۳

۳۲۶۴۰۵۶۴ - ۰۹۱۱۸۷۳۹۱۲۰ آذرگر

محصولات ارگانیک

ایحسان

عرضه انواع: سبزی خرد شده - ترشیجات
سبزی خشک (نعنا، جعفری) میوه خشک - لواشک

۳۲۶۴۰۲۶۱

محمدآباد - خیابان جمهوری - بین جمهوری اول و دوم - فروشگاه هدیه

خدمات کامپیوتری و کافی نت

پاسارگاد



خرید آنلاین

پرداخت قبض

فتوکی

پرس

منگنه

خدمات کامپیوتری:

تایپ - اسکن - پرینت - پاورپوینت - نصب ویندوز
طراحی (بنر- کارت ویزیت- تراکت- بروشور- نشریه و ...)
رایت - نصب نرم افزار و آپدیت مک و iOS

خدمات اینترنتی:

شارژ و بسته اینترنت - تحقیق - فیش حقوقی - دانلود
ثبت نام اینترنتی (دانشگاه - سامانه ثنا - وام ازدواج و ...)

خدمات مجازی:

اپل آیدی - شماره مجازی - لایسنس آنتی ویروس و



☎ ۰۹۱۱۹۰۰۱۳۷۲ حمزه ای

📍 محمدآباد - آفتاب ۱۰ - روبروی کتابخانه